

## چکیده

زمینه و هدف: نتیجه‌ی "پارادایم شیفت جهانی" تولد اذهان جدید و بالتبع ظهور جامعه انسانی نو پدید طراز جهانی است. تغییرات پارادایمی از تغییرات اجزاء پارادایم‌های نه گانه (خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، روش‌شناسی، تکلیف‌شناسی، عمل‌شناسی و عاقبت‌شناسی) نشأت می‌گیرد. تغییرات پارادایمی در زمره مهمترین روشها برای ایجاد تغییر و تحول اساسی در جامعه محسوب می‌شود. جایگاه این تغییرات در "زمینه"، "محتوا" و "ساختار" ذهن می‌باشد، بنابراین با نرم‌سازی، دستکاری و "مدیریت برای تغییر اذهان" می‌توان به انسان‌سازی، جامعه‌سازی، تمدن‌سازی، نظام‌سازی و جهانی‌سازی توسط فناوری‌ها و ابزارهای نرم پرداخت و انسانها و جوامع را به سمت اهداف مورد نظر سوق داد. به سخن دیگر جهان دائماً در حال زایش ذهنیت جدید و تعامل، تقابل و جنگ مدل‌های ذهنی، برای تغییر در عرصه‌های عینی است.

روش تحقیق و یافته‌ها: در این تحقیق ضمن معرفی جهانی‌سازی در فضای مدرنیته و مطالعه تطبیقی جهانی‌انگاری پسامدرنیسم و جهان‌مداری الهی، تصویر انسان فرامدرن با انسان الهی در پارادایم‌های اومانستی و الهی استخراج و در مدل تطبیقی در معرض نظر و قضاوت اندیشمندان قرار گرفته است. نوع تحقیق کیفی، متکی بر روش پژوهش تحلیلی-توصیفی به کمک متن‌کاوی تطبیقی و فرا تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده کتابخانه‌ای است. نتیجه نهایی حاصل از تحقیق اینکه امپریالیسم ذهنی در پی ایجاد تغییر در اجزاء پارادایم حاکم بر اذهان جامعه هدف، طی فرایند تغییرات سه مرحله‌ای "خروج از انجماد"، "تغییر" و "انجماد مجدد"، کرت لوین و مقایسه آن با مدل داستران‌دوبیل (۱۹۹۷) می‌باشد که آغاز زنجیره این فرایند، راه اندازی جریان سیال ذهنی در اذهان اندیشمندان، راهبردی‌پردازان، اساتید و فضلاء در جامعه سوژه است.

نتیجه‌گیری: عطف به فرمایش امام علی (ع) در خطبه ۲۷ کتاب شریف نهج البلاغه مبنی بر اینکه "خوار و ذلیل نشد مگر کسی که با دشمن در خانه خود جنگید" و همچنین نظر به دستور امام راحل (ره) در خصوص صدور "معنویت و انقلاب" بجای دفاع محض در سرزمینهای خودی؛ ضرورت هجوم نرم، وفق دکترین جامع جنگ نرم در مختصات ذهنی درخانه دشمن برای آمادگی فضای جهانی جهت ظهور منجی عالم (عج) نمایان گردیده تا از نفوذ و رسوخ "ضد ارزشهای اومانستی" در اذهان مردم جوامع الهی جلوگیری بعمل آورده و مانع تغییرات تدریجی مدل‌های ذهنی، فرهنگی، ارزشی، اندیشه‌ای، رفتاری و ساختاری جوامع اسلامی گردیم تا در نهایت خدشه‌ای در اثر تهاجم فرهنگی نظام سلطه، متوجه انسانهای آزاده جهان و از جمله مسلمان و جامعه اسلامی نگردد. انشا...

## کلید واژه:

مدیریت تغییر ذهنیت، پارادایم مدرنیته، فضای جهانی‌سازی، تهاجم فرهنگی، قدرت نرم

## چگونگی مواجهه با "مدیریت تغییر ذهنیت" تحت پارادایم مدرنیته در فضای جهانی سازی

دکتر محمدرضا مشایخ

مربی و عضو هیئت علمی گروه مدیریت دانشگاه پیام  
نور

M\_mashayekh@pnu.ac.ir

دکتر علیرضا علی احمدی

استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

alياهو@iust.ac.ir



## مقدمه

فهم اعمال اجتماعی بدون کسب دانش درباره ماهیت انسان ممکن نیست، فهم عمیق از ماهیت انسان، بدون کسب دانش قوانین ذهن ممکن نیست و کسب دانش کافی از قوانین ذهن، بدون کسب دانش قوانین زیست ممکن نیست و برای اینکه دانش قوانین زیستی که در بشر متجلی شده خوب و مناسب کسب گردد می باید قوانین عمومی زندگی فرا گرفته شود (اسپنسر، ۱۸۹۶: ۳۵۵). قوانین عمومی زندگی پسامدرن امروزی نیز نشأت گرفته از دیدگاه پست مدرنیسم است که تحت شرایط مدرنیته مایه اصلی و پایه ی تغییرات جهانی است.

الگوها، ساختارها، محتوا و زمینه ذهن بشر امروزی دائماً در حال تغییر است پنهان سالاری سازمان سیا با کنترل اذهان، به حریم امنیت شهروندان تجاوز می کند (باوارات، بی تا: ۷) مدرنیزاسیون یا تجددطلبی در قالب جهانی گرایی، انسان امروز را از "الهی گرایی" به "انسان خدائی" فرا می خواند. روح سیال و ژلاتینی پست مدرنیسم در خلل و فرج اذهان نفوذ کرده و "استکبار جهانی" درصدد گسترش گستره امپراتوری ذهنی خود بر جوامع سوژه است، از این جهت در صحنه های نبرد نرم بدنبال ایجاد تغییرات در اجزاء نه گانه پارادایمهای ذهنی در اعماق ذهن انسانها و جوامع هدف است تا بتواند حیطة اقتدار خویش را افزایش و توسعه دهد.

امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: "غرب ما را خوار کرد، غرب روحيات ما را از بين برد، ما را غرب زده کردند، ما اين غرب زدگی را می زداییم. ما با ملت ایران، با همراهی ملت ایران، با پشتیبانی ملت ایران، تمام آثار غرب را، تمام آثار فاسده، نه آثاری که تمدن است، تمام اخلاق فاسده غرب را، تمام آثار باطله غربی را خواهیم زدایید. ما یک مملکت محمدی(ص) ایجاد می کنیم." (صحیفه نور ج ۶: ۴۷۴-۴۷۵) هدف از این تحقیق بررسی چگونگی تغییر بر اساس مدل کرت لوین و مقایسه آن با مدل داستراندوییل (۱۹۹۷) بر مبنای آراء جاکوبز و هرا کلیوس (۲۰۰۵) است. که بیان می کند مدلهای ذهنی برهان، تفسیر و نهایتاً عمل را شکل می دهند و همچنین "سنگه و همکاران" (۱۹۹۹) مدلهای ذهنی را مفروضات، تعمیم ها و یا حتی تصاویر و اشکالی می دانند که دارای ریشه بسیار عمیقی هستند و بر چگونگی درک ما از دنیا و نحوه عمل ما در آن اثر می گذارد.

## ۱- بیان مسئله:

ذهن قوه سیالی است که قادر است در تقابل نظامات فکری جدید نقش بی بدیل و تعیین کننده ای را به عهده بگیرد. عصر حاضر، عصر شکسته شدن سدهای ذهنی با محتوا و زمینه های میراث چندین هزارساله فرهنگی بشری است و عصر توانمندی القاء ذهنی ت جدید به جامعه هدف و نرم سازی چارچوبها و داشته های ذهنی و فرهنگی آنان می باشد که این وقایع در چارچوب "مدیریت تغییر" در قالب مدلهای ذهنی جدید بوجود می آید. برخی از دانشمندان مدلهای ذهنی را مهمترین سنگ بنای ساختمان دانش و از جمله فرایندهای شناختی اصلی در تغییر و یادگیری می دانند (آلی، ۱۹۹۷). برخی دیگر مدلهای ذهنی را لنزهایی در نظر می گیرند که اعضای جامعه برای مشاهده و تفسیر دنیا از آنها استفاده می کنند. از آنجا که ذهن شناسی و بازشناسی الگوها و بسترهای ذهنی در تغییرات پارادایمها و چگونگی ساز و کارهای اجزاء پارادایمی در شرایط ویژه تمدنهای فرامدرن بشری از اهمیت و اولویت بسیار ویژه ای برخوردار است؛ تعیین کننده سرنوشت جنگ هوشمند در فضای جهانی سازی فعلی و در گرو مدیریت و



کنترل اذهان جوامع هدف می باشد. لذا مسئله ما این است که چگونه غرب با نرم سازی و دستکاری و مدیریت تغییر اذهان جوامع هدف می تواند به انسان سازی، جامعه سازی، نظام سازی، تمدن سازی و جهانی سازی توسط ابزارها و فناوریهای نرم بپردازد و انسانها و جوامع را به سمت اهداف مورد نظر نظام سلطه سوق دهد؛ تا چگونگی مواجهه با رسوخ ضد ارزشهای غربی در اذهان انسانهای آزاده و انسانهای مسلمان و جوامع اسلامی را بیابیم.

#### ۲- ضرورت و اهمیت تحقیق:

در تغییرات پارادایمها یا "الگوواره ها" سرزمینهای وسیعی از اذهان جوامع اشغال می شود یا دست به دست گردیده و جابجا می شوند. اهمیت بازپس گیری و یا ایجاد سنگرهای نرم باز دارنده از اشغال این سرزمینها، کم اهمیت تر از بازپس گیری یک منطقه جنگی و یا شهری که به دست دشمن سخت افتاده است، نمی باشد. لذا ضرورت دارد که ساز و کارها و ابزارهای مدیریت تغییر ذهنیت در فضای جهانی سازی تحت مدرنیته بدرستی شناسائی و نسخه هائی جهت جلوگیری از تغییرات نرم افراد جامعه پیشنهاد گردد.

#### ۳- هدف از تحقیق:

چگونگی مواجهه و بازشناسی نظام مدیریت "ذهنها" تحت پارادایم مدرنیته در فضای جهانی سازی به وسیله اجزای ۹ گانه پارادایم ها بر مبنای الگوی تغییر کرت لوین (۱۹۵۰) می باشد.

#### ۴- روش تحقیق

##### ۴-۱- روش تحقیق:

رویکرد تحقیق حاضر، کیفی با استفاده از روش پژوهشی تحلیلی- توصیفی به کمک متن کاوی تطبیقی فرا تحلیل اطلاعات جمع آوری شده کتابخانه ای می باشد.

##### ۴-۲- سوال تحقیق:

ساز و کار تغییر ذهنیتها تحت مدرنیته در فضای جهانی سازی چیست و چگونه می توان از رسوخ ذهنیت اومانستی غربیها در اذهان مسلمین جلوگیری به عمل آورد؟

##### ۴-۳- مفروضات تحقیق:

تغییرات در پس زمینه، محتوا و ساختار ذهن در بستر یک پارادایم جدید طبق الگوی کرت لوین تحت مدرنیته در فضای جهانی سازی امکان پذیر است و روش مواجهه با تغییر ذهنیتها؛ هجوم نرم به مواضع و پارادایمهای اندیشه ای مهاجم طبق " دکترینال جنگ در سرزمین دشمن با قوانین خودی " است.

##### ۴-۴- ابزار گردآوری اطلاعات:

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق با استفاده از متن کاوی تطبیقی اسناد و مدارک مرتبط جمع آوری شده از کتابخانه های تخصصی، مراکز و سایتهای علمی داخلی و خارجی با نگرش تحلیلی- توصیفی فراهم گردیده است.



## ۵- پیشینه ادبیات تحقیق

### ۵-۱- بررسی پیشینه تحقیق:

در راستای شناسائی پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه مدیریت تغییر ذهنیت در منابع داخلی و خارجی، دست اول و دوم اعم از کتب، مجلات، اینترنت و... منتشر شده است تحقیق یا پروژه خاصی که گویای موضوع در "بعد مدرنیته در فضای جهانی سازی"، باشد یافت نگردید، تنها قسمتهائی از موضوع تحقیق بطور پراکنده و گسترده در ادبیات "پارادایمها"، "مدرنیته" و "جهانی سازی" منتشر شده که در بخش ادبیات تحقیق آورده شده است.

### ۵-۲- ادبیات تحقیق:

#### ۵-۲-۱- مفهوم پارادایم:

بر اساس ایده کوهن<sup>۱</sup> (۱۹۶۲)، پارادایم آن چیزی است که اعضای یک جامعه علمی با هم و هر کدام به تنهایی در آن سهیم هستند. مجموعه ای از مفروضات، مفاهیم، ارزشها و تجربیات که روشی را برای مشاهده واقعیت جامعه ای که در آن سهیم هستند (به ویژه در دیسپلین روشنفکرانه) ارائه می کند ([http:// thefreedictionary.com](http://thefreedictionary.com)).

بنابراین، پارادایم اصطلاح جامعی است که همه مقبولات کارگزاران یک رشته علمی را در بر می گیرد و چارچوبی را فراهم می سازد که دانشمندان برای حل مسائل علمی در آن محدوده استدلال می کنند. توماس کوهن معتقد است پارادایم یک علم تا مدت های مدیدی تغییر نمی کند و دانشمندان در چارچوب مفهومی آن سرگرم کار خویش هستند. اما دیر یا زود بحرانی پیش می آید که پارادایم در هم می شکند و گردش علمی به وجود می آید که پس از مدتی پارادایم جدیدی به وجود می آورد و دوره ای جدید از علم آغاز می شود و بدین ترتیب انتقال پارادایمی صورت می پذیرد. ([www.hupaa.com](http://www.hupaa.com))

#### ۵-۲-۲- تغییر پارادایم یا الگوواره:

"تغییر الگو واره"<sup>۲</sup> به زبان انگلیسی یا دانش انقلابی، واژه ای است که نخستین بار توسط توماس کوهن (۱۹۶۲) فیزیکدان، در کتاب تأثیرگذار "ساختار انقلابهای علمی" ابداع شد. این واژه، توصیف گر تغییر در مفروضات بنیادی نظریه دانش حاکم است. تغییر الگو واره، تغییر آرام در روش شناسی یا تجربه است و غالباً تغییر اساسی ای در تفکر و برنامه اطلاق می گردد که سرانجام روش اجرای پروژه ها را تغییر می دهد. (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد) کوهن بر این باور بود که تعامل تدریجی علم به سمت حقیقت نیست، بلکه دستخوش، انقلاب های دوره ای است که او آن را "تغییر پارادایم" می نامد. ([www.hupaa.com](http://www.hupaa.com))

#### ۵-۲-۳- تغییر ذهنیت یا پارادایم شیفت:

هنگامی که پارادایمها تغییر می کنند، معمولاً جا به جایی های مهمی در ذهنیت ها در خلال تغییر مشروع مسائل و راه حل های طرح شده صورت می پذیرد. پارادایم شیفت یا تغییر ذهنیت از جمله مهمترین روشها برای ایجاد تحول اساسی اجتماعی است و از قابلیت جریان سازی عظیمی در برهه زمانی محدودی برخوردار است.



تغییر ذهنیتها در اجزاء نه گانه پارادایمها، انسان و جامعه نو پدید را پایه گذاری می کند و در ضمیر ناخودآگاه در "زمینه ذهن"<sup>۳</sup> بصورت خاموش و زیر پوستی چارچوبهای موجود ارزشمدار را طبق مدل روانشناختی اجتماعی کرت لوین "ثبات زدائی" (خروج از انجماد) نموده و پس از ایجاد: "تغییر" و جایگزین کردن ارزشهای دیگری و قالب بندی مجدد چارچوبهای ذهنیت جدید، اقدام به "انجماد مجدد" یا تثبیت و نهادینه نمودن الگوهای جدید با محتوای نوین می نماید. در این "تغییر" پهنه ذهن، صحنه نبرد ارزشهای پذیرفته شده قبلی و القائات و تشکیک ارزشهای جدید با هدفهای تغییر اجتماعی برنامه ریزی شده در فرد، گروه های کوچک یا نظام کلان اجتماعی، می باشد (جوادی یگانه، ۱۳۸۰: ۴۳). در دیدگاه هوسرل، فرهنگ ترکیب ذهنیت های متعالی است از تجربیاتی که همه ی افراد بشر فهمیده اند و... این "میان ذهنیت"، مبنای عمل اجتماعی است (توسلی، ۱۳۸۴: ۳۵۶) که در پارادایم شیفت مورد هجوم نرم قرار می گیرد. در این مرحله جنگ های "تاثیر محور بجای جنگ های تخریب محور" خود نمایی می کنند و جنگ های "ذهنی شبکه محور جایگزین تخصصات فیزیکی سخت" می گردد.

تافلر در خصوص ابزار تبادل ذهنیتها اظهار می دارد: رسانه های جدید به شدت به هم پیوسته و در هم آمیخته اند و داده ها و تصاویر ذهنی و نمادها را با یکدیگر رد و بدل می کنند (تافلر، ۱۳۷۵: ۳۴۸).

ژوزف نای از پیشگامان طرح قدرت نرم می گوید: قدرت نرم، توجه ویژه به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه<sup>۴</sup> است (نای، ۲۰۰۴، ۸ تا ۵) و در ادامه آر.جریس، (۱۹۹۳) اظهار می دارد: آنچه که جامعه نیاز دارد، مدلی ذهنی است که بر مجموعه ای از احکام "اگر- آنگاه" مبتنی باشد. اگر در جوامع سنتی، دگم بزرگ عبارت بود از مدیریت، سازماندهی و کنترل در سازمانهای یادگیرنده، دگم جدید عبارت است از آرمان، ارزشها و مدلهای ذهنی (که بایستی درهم کوبیده شوند). بسیاری از پیشنهادها ی ثمر بخش هرگز به مورد اجرا گذارده نمی شود چراکه با مدلهای ذهنی عمیق در تضاد است. (رهنورد، ۱۳۸۸: ۲۴ تا ۱۱)

تافلر در کتاب موج سوم اظهار می دارد: یکی از چالشهای مهم عصر اطلاعات و ارتباطات، آهنگ شتاب تغییر است... سپس تمدن خانواده را از گستره هسته مرکزی تغییر داد و شکاف نامرئی بین زنان و مردان ایجاد شده، مردان را عینیت گرا و زنان را ذهنیت گرا کرد، بنابراین جدایی عمیق بین شخصیت و زندگی مردان و زنان ایجاد گردید. در این راستا هاکسلی<sup>۵</sup> (۱۹۵۸) در مقدمه کتاب "جهان نوین آینده"<sup>۶</sup> تصویری اینگونه از جامعه ترسیم می نماید، او معتقد است جامعه توسط نیرویی بدون هویت و نامعلوم اداره می شود، طبقه ممتاز حاکم که افکار مردم را از طرق مختلف کنترل می کند (هاکسلی، ۲۰۰۶: ۶۷). ادوارد برنیس<sup>۷</sup>، پدر علم روابط عمومی در این خصوص اینگونه اظهار می دارد: کنترل هوشمند و آگاهانه عادات و افکار مردم، اصل مهم در یک جامعه دمکراتیک است، در حقیقت کسانی که این مکانیزم نامرئی جامعه را اداره می کنند، قدرتهای حاکم بر کشور هستند و حکومت نامرئی را تشکیل داده اند، ما فرمانبردار شده ایم، افکار و اذهان ما را شکل داده، ذائقه ما را شکل داده اند، ایده های ما به ما تلقین شده و این کار توسط کسانی انجام گرفته که هیچگاه نامشان را هم نشنیده ایم... حاکمان نامرئی ما غالباً حتی از هویت اعضای کابینه خود اطلاع ندارند. متیو بام<sup>۸</sup> نویسنده کتاب داستانهای جنگ (۲۰۱۰) در مصاحبه ای در سی ان ان اضافه می نماید: اذهان عمومی در چنگال غولهای رسانه ای گرفتارند (www.antifbi.com).

"هارولد لاسول<sup>۹</sup> (۱۹۳۹) به عنوان تئوری پرداز سیاستگذاری در دانشگاه شیکاگو در بنیاد راکفلر اظهار می دارد: دموکراسی، یعنی حکومتی که توسط خود مردم اداره می شود، نمی تواند ثابت و پایدار بماند، مگر اینکه برگزیدگانی متخصص از طریق



تبلیغات و پروپاگاندا عقاید و اذهان مردم را شکل دهی و کنترل کنند. وی ادامه می دهد: ما باید جهالتها و حماقتهای توده مردم را شناسایی کنیم و نباید تسلیم تعصبات دموکراتیکی شویم که می گوید: "انسانها صلاح خودشان را بهتر از دیگری میدانند". واژه ایلمناتی<sup>۱۰</sup> معمولا برای گروه "طبقه ممتاز" به کار برده می شود که به صورت پنهانی بر توده مردم حکومت می کنند. نظریه پردازانی مانند ادوارد برنیس، رسانه ها را به عنوان ابزار بسیار موثر در کنترل و اداره ضمیر ناخودآگاه شخصی و جمعی مردم تشخیص داده اند.

والتر لیپمن<sup>۱۱</sup> (۱۹۲۲) یکی از بنیانگذاران شورای روابط خارجی آمریکا (CFR) اظهار می دارد: قدرت سیاسی و اقتصادی در ایالات متحده در دستان یک "طبقه ممتاز حاکم" جمع شده که کنترل اکثر شرکتهای چند ملیتی با محوریت آمریکا، اکثر رسانه های ارتباطی، پر قدرت ترین و با نفوذ ترین مؤسسات، عمده دانشگاههای خصوصی و غالب ادارات عمومی را در دست دارند. (لیپمن ۲۰۰۷: ۱۱۷) سی رایت میلز<sup>۱۲</sup> این طبقه را طبقه ممتاز قدرتمند نامید. گروهی از افراد با اهداف و منافع مشترک که رویدادها را از جایگاهی دور از خطر و پشت پرده، برنامه ریزی و هدایت می کنند، تشکیل سازمان ملل یکی از پروژه های این شورا بوده همچنین صندوق بین المللی پول و نیز بانک جهانی هم نتیجه تصمیمات آنان است. (میلز، ۲۰۰۰)

استیو جاکسون عموما اذهان را در ایالات متحده تحت کنترل می داند و لیپمن "تولید رضایت" را بطور کلی کنترل و اداره افکار و اذهان عمومی برای پذیرش دستورات طبقه ممتاز نام می برد. به عقیده لیپمن عموم مردم صلاحیت استدلال و تصمیم گیری در مورد موضوعات مهم را ندارند. بنابراین طبقه ممتاز بایستی در جهت منافع خودشان تصمیم گیری کنند و سپس آن تصمیمات را به مردم "بخوراند". وی ادامه می دهد، به نظر من کسی انکار نمی کند که "تولید رضایت" قابلیت پالایش بسیار زیادی دارد، فرایند شکل گیری افکار عمومی پیچیده است و امکان کنترل اذهان برای هر کسی که این فرایند را بشناسد بسیار ساده است. مفهوم عملیاتی آن اینست که به گفته نیوت گنریج عنصر افراطی حزب جمهوری خواه در کنگره آمریکا ادعا می کند: آینده بشریت، آینده امریکاست، امریکا باید ارباب جهان باشد و اگر هر حکومتی پذیرای خواسته های امریکا نباشد، باید نابود شود.

#### ۵-۲-۴- مفهوم و کارکرد پارادایمهای فکری:

پارادایمها همچون حامل و ظرفی برای نظریات علمی هستند. در اینجا نقش و وظیفه پارادایمها، گفتن این مطلب به دانشمندان است که طبیعت، مشتمل بر چه چیزهایی است و چه چیزهایی را ندارد و رفتار حاکم بر اجزای طبیعت چگونه خواهد بود. حاصل این اطلاعات، نقشه کلی پارادایمها است و جزییات این نقشه را پژوهشهای علمی تعیین می کند.

به طور خلاصه، برای درک یک پارادایم، فرد دانشمند به شناخت نظریات، روشها، ارزشها و نتایج در یک پارادایم به صورت یکپارچه و روی هم رفته نیاز دارد، که با هم یک مخلوط بسیار پیچیده منسجم را تشکیل می دهند. (اسکندری، ۱۳۸۶: ۴).

#### ۵-۲-۵- اجزاء تشکیل دهنده پارادایم:

اجزای پارادایمها، نظریه ها و عناصری هستند که جمعا مجموعه یک پارادایم را تشکیل می دهند و زاویه نگرش، اندیشه پرواز و لنگرگاه پارادایمی آن را نشان می دهد.



عناصر تشکیل دهنده پارادایمها یا الگوواره ها بنابر نطه های فکری و اندیشه ای متفاوتند این عناصر یا زیرپارادایمها به صورت قطعاتی از یک جورچین و یا موزائیکهای تشکیل دهنده یک تصویر کلی می باشند.

در این تحقیق به رایج ترین زیر بناهای یک مجموعه نظریه پردازی که عبارتند از دیدگاههای: ۱- خداشناسی<sup>۱۳</sup>، ۲- هستی شناسی<sup>۱۴</sup>، ۳- انسان شناسی<sup>۱۵</sup>، ۴- معرفت شناسی<sup>۱۶</sup>، ۵- ارزش شناسی<sup>۱۷</sup>، ۶- عاقبت شناسی<sup>۱۸</sup>، ۷- روش شناسی<sup>۱۹</sup>، ۸- تکلیف شناسی<sup>۲۰</sup>، ۹- عمل شناسی معرفی شده اند و این ۹ زیر بنا طی جدول ۱- در چهار وجه "تعریف پارادایم"، "سؤال پارادایم"، "معرفی پارادایمهای الهی" و "معرفی پارادایمهای غیر الهی"، مقایسه گردیده اند.

جدول ۱ - زیر پارادایم های ۹ گانه و همبستگی اجزای پارادایم ها

زیرپارادایمها	خداشناسی	هستی شناسی	انسان شناسی	معرفت شناسی	ارزش شناسی	عمل شناسی	روش شناسی	تکلیف شناسی	ماهیت شناسی
موضوع زیر پارادایم:	شناخت سر منشأ وجود و هستی	درک از وجود و جهان هستی و جوهره پدیده ها	شناخت انسان و ماهیت و روابط آن با دیگر عوامل	ماهیت و درک ما از شناخت علم	ارزشگذاری مفاهیم پدیده ها و مقوله ها و رفتار	شناخت عمل و رفتار نیت شده	چگونگی کسب و بررسی دانش و شناخت	تعیین تکالیف و وظائف، شناخت حکم	تعیین هدف غایی و نهایی
سؤال مرتبط:	خالق هستی کیست؟	موضوع، ماهیت و جوهره هستی چیست؟	تعریف انسان چیست؟	چه شناختی می توانیم کسب نماییم؟ بر مبنای کدام نظریه؟	کدام موضوع داری چه ارزشی می باشد؟	بررسی چرایی و چگونگی اعمال بشر	کدام روش؟ شناخت و بررسی کارآمدی و ناکارآمدی روشها	وظائف و تکالیف انسان چیست؟	نهایت هستی و جهان بشریت کدام است؟
پارادایمهای الهی:	خدا پنداری، خدا محوری، احسن انگاری، توحیدی	نگرش به هستی نظم دار مخلوق خدا	خلیقه ا...، مسجود ملائک، موجودی از دو سر بی انتها	تلفیقی از معنویات و مادیات	الهی و مادی	رضایت خدا طبق قوانین الهی	روضهای ارزشمدار	تکلیف گرایی الهی محور	اعتقاد به معاد، آخرت گرا
پارادایمهای غیر الهی:	حذف ماوراء الطبیعه از زندگی بشر	مکانیستی انگاری جهان طبیعت محض	حیوانی اقتصادی، موجودی لذت گرا، اختیار محض	اثبات گرا، سکولار، بوچ انگار	فقط مادیات	قانون باوری، انسان مدارانه	ماکیاولیسم، هدف وسیله را توجیه می کند	وظیفه مداری سازمان محور	مسیح مصلوب، نفی معاد، دنیا گرایی
منابع و ماخذ:	قرآن کریم، زمر ۴۲، جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۷، خامنه ای، ۱۳۹۲: ۲۰۳، مطهری، ۱۳۵۹: ۳۹، رفیع الدین، ۱۳۷۸: ۱۳۷، یونگ، ۱۳۷۷: ۲۰۰، یلانگ، ۲۰۰۰	قرآن کریم، جاثیه ۱۳، مطهری، ۱۳۵۹: ۳۸، جعفری، ۱۳۹۲: <a href="http://www.ensani.ir">www.ensani.ir</a> ، <a href="http://www.Omidnews.com">www.Omidnews.com</a> ، جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸، نجیه، بی تا: ۳۹۳، مارکس، بی تا: ۳۰۱	قرآن کریم، انسان ۱، میر معزی، ۱۳۸۱: ۴۵۰، جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۳، قرآن کریم، قرآن ۴۴، قرآن کریم، انعام ۱۱۲، جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۸، مطهری، ۱۳۵۹: ۴۱، مطهری، ۱۳۸۸: ج ۱۵: ۹۲	قرآن کریم، ال عمران ۱۹۱، قرآن کریم، نحل، ۷۸، جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۷، جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲، گریلیگ، ۱۳۹۰: ۱۳، طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۵، هالینگ، ۱۳۸۷: <a href="http://Ya3in.com">Ya3in.com</a>	قرآن کریم، زمر ۴۲، جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۰۵، بنام، بی تا: ۳۰، مجونانی، ۲۰۳: ۱۳۹۰، هانتینگتون، بی تا: ۱۷۴۰	قرآن کریم، سبا ۴۶، مطهری، ۱۳۵۹: ۴۳، حسین رحیم بور ازغدی، طرخی برای فردای روشن <a href="http://www.nedavenghelab.com">www.nedavenghelab.com</a> ، <a href="http://www.rahim-pour.ir">www.rahim-pour.ir</a> ، نوذری، ۱۳۹۰: ۱۱۹	قرآن کریم، نحل، ۴۴، حسین رحیم بور ازغدی، <a href="http://Mahdaviat1.blogfa.com">Mahdaviat1.blogfa.com</a> ، <a href="http://www.aviny.com">www.aviny.com</a>	قرآن کریم، سوره عصر، مطهری، ۱۳۵۹: ۵۲، <a href="http://Rasekhon.net">Rasekhon.net</a> ، فرجام شناسی و سعادت شناسی	



## ۶- انسان‌شناسی

خدای ازلی و رب لم یزلی، موجودی به وجود آورد و عنوان جامع و کامل را به او عطا کرد که آن عنوان نه انسان است نه بشر و نه آدم، بلکه عنوان الهی "خلیفه الله" است و فرمود: "انی جاعل فی الارض خلیفه" و تمامی عناوین دیگر، همه از آن عنوان جامع و شامل صادر می شود که همه اسامی زمینی اند و عنوان خلیفه الهی، لقبی است آسمانی، مسجود ملائک شدن (سوره بقره آیه ۳۴) و مظهر اسماء الهی بودن. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳)

استاد مطهری در مقدمه کتاب مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، مقایسه ای بین انسان و حیوان دارد و برتری انسان نسبت به حیوان را در دو چیز می داند، علم و ایمان و این دو را مکمل هم می داند. (Wikipedia ۲۰۱۴) و (مطهری، ۱۳۹۲، جلد ۲: ۲۲)

ارسطو اظهار می دارد، ماهیت انسان "حیوان ناطق" است. زیگموند فروید در نظریه خویش طبیعت انسان را اساساً با توجه به نیروهای روانی توضیح می دهد و در فلسفه کارل مارکس "ذات بشریت" در وهله اول به واسطه نیروی اقتصادی اجتماعی و سیاسی قابل تبیین است. ([www.anthropology.ir](http://www.anthropology.ir)) و لذا مارکس انسان را حیوان اقتصادی می خواند.

نظریه پردازان دیگر نیز به، "حیوان اقتصادی بودن انسان" تاکید دارند؛ از جمله لاژوژی ژوزف (۱۳۶۷) در کتاب مکتبهای اقتصادی صفحه ۱۳۵، شارل ژید و شارل ژیست (۱۳۷۰) در کتاب تاریخ عقاید اقتصادی صفحه ۲، رابینسون جون در کتاب فلسفه اقتصاد (۱۳۵۸) صفحه ۲.

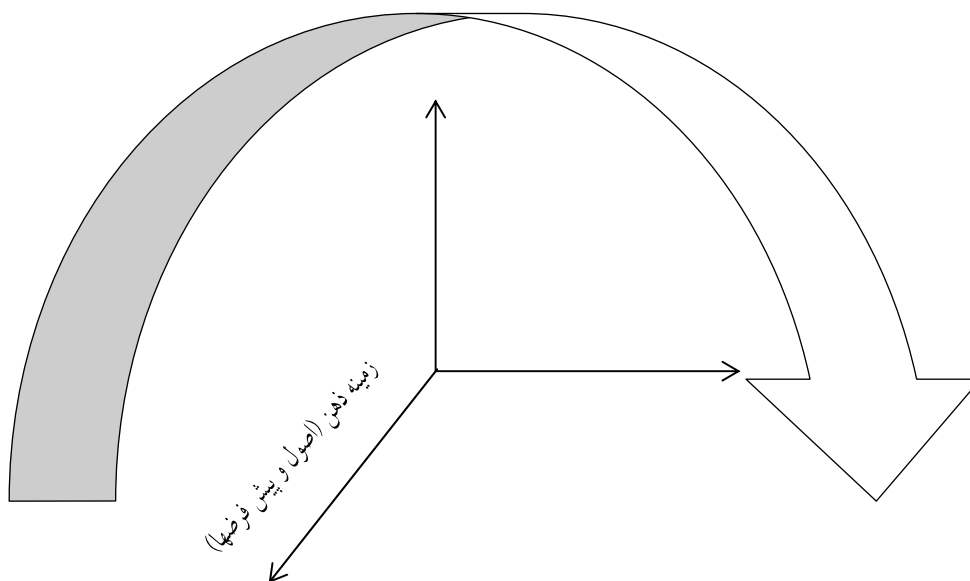
در پایان نظریه پاول ادوارد (۱۹۷۹)، در خصوص اومانیزم آورده می شود: اومانیزم فلسفه ای است که ارزش یا مقام انسانی را ارج می نهد و او را میزان همه چیز قرار می دهد. به دیگر سخن سرشت انسانی و حدود و علایق طبیعت آدمی را به عنوان مبنا اتخاذ می نماید. اومانیزم در مقابل گرایش به محوریت خدا و دین مطرح است. این تفکر ملاکش انسان است (مصباح یزدی ۱۳۸۷: ۲۱۸). در این بخش به منظور شناخت بهتر پیش فرضهای ذهن که در عمیق ترین بخش ناخودآگاه نهادینه شده است و همچنین جهت شناخت بهتر مدیریت تغییر ذهنیت، به معرفی نظریه ذهن پرداخته می شود.

## ۷- نظریه ذهن:

"ذهن مثل چتر نجات است، یعنی تنها زمانی که باز شد به درد می خورد. (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۱۹) ذهن ظرفیت، و نه ظرف است، بلکه قوه بسیار فعال، مداخله گر و خلاق است که اطلاعات وارده از حواس پنجگانه به مغز را دریافت و با انواع فرایندهای فکری از قبیل قیاس، تجزیه و تحلیل، استدلال، استقراء و غیره در آنها مداخله و کمیت و کیفیت آنها را تغییر داده و نهایتاً آنها را طبقه بندی، ثبت و ضبط کرده و مهم تر از همه با قوای ذهنی که در اختیار دارد، اطلاعات جدیدی را در خلال فرایند فکری تولید می کند. بنابراین نقش ذهن صرفاً جابه جایی، انتقال و تغییر داده های حسی نبوده بلکه به عنوان یک مولد بر مبنای تفسیر داده ها، اطلاعات نو و جدیدی را ابداع، خلق و کشف می کند. (میرزائی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۱۹) پاسخ این سؤال که نقش ذهن در فرایند شناخت چیست را می توان در "نظریه ذهن" در نمودار شماره ۱ یافت.

ذهن از سه جزء اساسی تشکیل می شود. (۱) زمینه<sup>۲۰</sup> (۲) محتوا<sup>۲۱</sup> (۳) ساختار<sup>۲۲</sup>. در مورد زمینه های فکری که همان اصول اولیه یا مبادی اولیه باشد، بحث مبسوطی و کافی در ادبیات موضوع قابل مطالعه می باشد.





نمودار ۱- ساختار سه شاخکی ذهن (میرزائی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۱)

#### ۱-۷-زمینه ذهن:

اصول و مبادی اولیه که زمینه اصل شناخت ما قرار می گیرند در قالب اصول، اعتقادات و الگوهای فکری از فطرت انسانی، تاریخ و فرهنگ جامعه به ذهن ما منتقل می شوند. در واقع حیات بشری این قسمت از ذهنیات یا پیش فرضهای ما را شکل می دهند و در جریان آموزش، یادگیری و شناخت بسیار مهم و حساس اند؛ زیرا هر نوع دانستنی های دیگر را که از جهان اطراف برای اولین بار دریافت می کنیم و وارد ذهن ما می شود، این زمینه ها و الگوها که همواره در ذهن ما موجودند ارزیابی می کنند و پذیرش و قبول هر نوع اطلاعات و دانستن منوط به سازگاری با این اصول، اعتقادات و زمینه های اولیه است. یعنی هر نوع باور و اعتقاداتی نیز که بعداً پیدا می کنیم مبتنی بر این پیش زمینه هاست. این الگوهای اولیه زیر بنا و پی ساختمان ذهن ما را تشکیل می دهند و عمارت فکری و ذهنی [و رفتاری] ما بر روی آنها بر افراشته می شود. (میرزائی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۲).

این پیش زمینه ها شامل اعتقادات پیشین غیر رسمی و نا نوشته ای در عمیق ترین بخش ناخودآگاه انسان نهفته و هیچگاه به سطح ذهن آگاه نیامده و از آنها سؤال نمی شود و هیچ نظریه پردازی آنها را به صراحت و به شکل اصول و قضایا جایی نمی نویسد. آنها در عمیق ترین بخش ذهن نهادینه شده اند و به صورت ایده ها و مبادی صلب و متحجر در آمده و جزمیتی را ایجاد می نماید که هر نوع واقعیت و اطلاعات جدید و تازه ای را که بر خلاف آن الگوها باشد دفع می کند و در یک کلمه به صورت بت ذهنی محقق و نظریه پرداز در آمده که باید شکسته شود و الا ایجاد فکر و نظریه جدید افسانه ای بیش نخواهد بود. عرفا و بزرگان ادب فارسی می گویند "دنیا را به همان رنگ عینکی که به چشم زده ای می بینی" و آندره ژید می گوید: "زیبائی در گل نیست بلکه در نگاه توست که آن گل را می نگری".

طبق فرمایش قران کریم زمینه های ذهنی، در دو فضای متضاد شکل می گیرد: (۱) تبعیت از وحی (۲) تبعیت از هوای نفس (سوره انعام، آیه ۵۰).



#### ۷-۲- محتوای ذهن:

محتوای ذهن یعنی سابقه ذهن و هر چیزی که از آغاز حیات جنینی انسان به صورت ورودی‌ها از محیط و جهان اطراف ما به ذهن ما منتقل شده است و ذهن ما با توجه به این زمینه‌ها و مهارت و دانایی که دارد روی این "واردی‌های ذهنی" کار می‌کند و آنها را به صورت اشکال گوناگون فراورده‌های ذهنی در می‌آورد و بخشی از آن را به صورت گفتار، فکر و اندیشه به محیط و جهانی که در آن زندگی می‌کند صادر و بخش دیگر را در شکل سوابق ذهنی در خود حفظ می‌کند تا در هنگام لازم و ضرورت از آنها نیز در خلال فرایند زندگی استفاده نماید.

محتوای ذهن انسان اصیل‌ترین و تنها ماده (به معنی فلسفی) اولیه لازم و اجتناب‌ناپذیر برای شناخت و اندیشه است. انسان با همین محتوای ذهنی است که قادر به شناخت خود و دیگران و به طور کلی حقیقت هستی از یک سو و زندگی و گذراندن آن از سوی دیگر می‌شود (همان، ۲۷).

#### ۷-۳- ساختار ذهن:

مغز ماشین و دستگاه بسیار پیچیده و کاملی است که ذهن به وسیله آن وظیفه اصلی "شناخت" را ممکن می‌سازد. در واقع "مغز" مرکب و ماشین ذهن است و ذهن عامل شناخت و کسب معرفت است. مغز را می‌توان به جسم تشبیه نمود و ذهن را به روح. طی فرایندهای ذهنی به تحقیق، تفکر و اندیشه و شناخت پرداخته می‌شود لذا فراوری و شناخت مقوله‌هایی از جمله خداشناسی،... و عمل‌شناسی در "فیزیک مغز" توسط "ذهن" انجام می‌پذیرد.

#### ۷-۴- الگوی ذهنی:

مدلهای ذهنی را می‌توان بازنمایی از واقعیت تعریف کرد (مقدم، ۱۳۸۷: ۳). در واقع مدل‌های ذهنی بازنمایی درونی از دنیایی بیرونی اند. (فریدمن، ۲۰۰۴) بنابر نظر فریدمن مدل‌های ذهنی به معنای تعبیر ما از روابط علت و معلولی است که با ارزشها، اعتقادات و فرهنگ ما شکل گرفته اند.

#### ۷-۵- ذهن از منظر صدر المتاهلین:

صدرالمتاهلین، ذهن را چنین تعریف کرده است: استعداد نفس بر اکتساب علومی که برای نفس حاصل نیستند. او در مقام توضیح گفته است که خداوند، روح انسان را خالی از علم به اشیاء قرار داد و علی‌رغم این که او هیچ نمی‌داند، اما برای دانستن آماده است. پس نفس باید برای بدست آوردن این هدف و حصول علم توانا باشد؛ و ذهن، در واقع همین استعداد است. در جایی دیگر ملا صدرا ذهن را قوه تعریف نموده و می‌فرماید: وقتی قوای جسمی مثل چشم، گوش، فکر با ذهن هم‌آهنگی و توافق کنند؛ روح جاهل، عالم می‌شود. (سرگلزائی، ۱۳۶۳: ۸ و ۱۳۷)

#### ۸- جهانی سازی:

"اخناتون" فرعون مصر که از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۹ قبل از میلاد حکومت می‌کرده، تعبیر جهانی کردن حکومت خود را به کار برده و اسکندر مقدونی که در فاصله سالهای ۳۲۲ تا ۳۵۶ قبل از میلاد، مصر و ایران و هند را تصرف کرد، به دنبال جهانی سازی،



بوده است. شعار انترناسیونالیسم مارکسیسم نوعی جهانی کردن است و همچنین در جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) آلمانی ها شعار نظم نوین جهانی می داده اند (رفیعی فنود، ۱۳۸۱:۱۰۰).

مدیریت جهانی سازی را می توان مترادف با مدیریت اذهان جوامع دانست. ایجاد تغییرات مد نظر در راستای ایجاد دهکده جهانی از بعد فرهنگی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، سیاسی، روانی و... را از طریق قدرت نرم و تغییر ترجیحات جوامع هدف و ذهن سازی می توان بدست آورد. در این رابطه ماکسول مالتز اظهار می دارد "فقط در این مکان که همان تماشا خانه ذهنستان است به پیروزی در جنگ دست خواهیم یافت" (جنیدی ۱۳۸۹: ۲۶۳).

### ۸-۱- جهانی مداری الگوواره الهی:

در بدو هبوط حضرت آدم (ع) و حوا(س)، جهان بودو یک خانواده، کم کم با رشد نفوس انسانها، رحمان از یکسو و ابلیس از سوی دیگر بر مدیریت و راهبرد اذهان انسانها همت گماشت و با گذشت زمان، زمین تکه تکه شد و سرزمینها و مرزها پدید آمد. و ادیان الهی با پیام وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق بر می گردد، از ناحیه خالق هستی به جوامع بشری اهداء گردید. دلیل تنوع ادیان آسمانی صرفاً "تفاوت زمانی" بوده و "تفاوت سرزمینی و پیامی" در آن مشاهده نمی شود. از این رو جهانی شدن الهی بر مبنای فطرت نیز هرگز تعلق به سرزمین یا قوم خاصی ندارد و تدبیر الهی برای تعالی تمامی انسانهاست و از این رو گستره ای جهانی دارد. پس از آنکه جهان گرفتار تشمت و چند پارگی و دچار سلطه ظلم و ستم جهانی بی ذهنی و فیزیکی گردید، دوباره منجی عالم بشریت امام آخرالزمان حضرت مهدی موعود (عج) ظهور نموده و شأن و کرامت از دست رفته را به انسان باز می گرداند و طبق نشانه های کتب الهی از جمله، انجیل حضرت مسیح(ع)، تورات حضرت موسی(ع)، زبور حضرت داود(ع) و قرآن مجید حضرت محمد(ص)، به تشکیل حکومت واحد عدل جهانی می پردازد و در این حکومت، انسان خلیفه الله و مسجود ملائک و معاد اندیش، بر مبنای فطرت پاک الهی است.

### ۸-۲- جهانی انگاری پسامدرنیسم به مثابه پارادایم شیفت:

"دیوید هاروی"<sup>۲۲</sup> جهانی شدن را با وضعیت پست مدرنیسم<sup>۲۴</sup> پیوند می زند. استدلال وی اینست که جهانی شدن برای سرمایه داری پدیده جدیدی نیست. بلکه پسامدرنیته<sup>۲۵</sup> انعطاف پذیر در بردارنده ی شدت یافتن تراکم زمان و مکان است که در واقع ویژگی آن محسوب می شود.

"آنتونی گیدنز"<sup>۲۶</sup> از دیگر پژوهشگرانی است که جهانی شدن را با وضعیت مدرنیسم پیوند می زند. به نظر وی، جهانی شدن، امری جز حرکت شتاب آلود مدرنیته نیست، وی جهانی شدن را حاصل جمع مجموعه ای از لوازم و پیامدهای جامعه مدرن می داند که در بستر این جامعه شکل می گیرد. گیدنز بر خلاف روبرتسون، جهانی شدن را نتیجه مستقیم نوگرایی می داند. رونالد رابرتسون نیز همانند گیدنز جهانی شدن را با مدرنیته و نوسازی عصر جدید مرتبط می داند. به نظر رابرتسون جهانی شدن ماهیت چند بعدی (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) دارد و فهم یک چنین پدیده چند بعدی مستلزم رویکرد چند بعدی و همه جانبه و کثرت گرا می باشد که در آن هویت های فرهنگی متعدد سازمانی، محلی، ملی، بین المللی و فراملی همانند عنصر مقوم جهانی هنوز در فرایند تجلی هستند. (روبرتسون، ۱۹۹۲: ۶۸) در دیدگاه روبرتسون جهانی شدن سبب ایجاد ارتباطات فرهنگی، اجتماعی و پدیده شناختی بین چهار عامل خویشتن فرد، جامعه ملی، نظام بین المللی و جوامع بشری به طور کلی می شود او نیز همانند گیدنز در



نهایت، عامل سرمایه داری و ظهور بازار جهانی را مهم ترین عامل جهانی شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ می داند. (واترز، ۱۳۷۹: ۶۹).

### ۸-۳- تقابل جهانی انگاری پسامدرنیسم و جهانی مداری ادیان الهی:

جهانی سازی یک اندیشه و نزاع برتری طلبانه و استعمارگرانه نظام سرمایه داری است و مبنای آن بر غرایز بشری گذاشته شده و ریشه در تمدن مادی و فلسفه عقل گرای الحادی غربی دارد و بر اساس آن جهان متفوق و غالب غربی، سرمایه داری حق طبیعی و قانونی خود می داند که با ذهنیت سازی بر سرنوشت و مقدرات ملت ها حکومت کند اما در منظر جهانی شدن الهی بر مبنای فطرت پاک، انسان، یک موجود رشد یابنده و ایده آل است که شایسته عنوان خلیفه و جانشین خدا بودن و انسان کامل شدن را دارد و با تکامل اوست که جهانی شدن الهی و لوازم آن، محقق می گردد. این منظر آدمی را قطره ای مرتبط با اقیانوس هستی می داند. (ادیب، ۱۳۸۸: ۳۱۹).

یک گرایش در میان یهود (گرایش صهیونیسم) "هر مجدون" یا "آرماگدون"<sup>۲۶</sup> را میدان آخر الزمان و صحنه تقابل این دو گونه انسان اعلام می کند. این تقابل در فلسطین واقع خواهد شد که پایگاه قیام مسیحاست. جنگ مجازی آرماگدون مدت مدیدی است که آغاز شده، صهیونیستهای مسیحی یا مسیحیان صهیونیست در جنگ تحمیلی نا برابر علیه اسلام با جهان ارزشمدار آن قیام نموده اند و صحنه های این جنگ از جنگهای یکصد و پنجاه ساله صلیبی آغاز و در این زمان در اوج خود به جنگهای نرم و جنگهای هوشمند رسیده و صحنه های نبرد سخت دفاعی به کارزارهای بطنی نرم تبدیل شده است. عنصر تغییر در اجزاء پارادایمها و... طبق الگوی تطبیقی شماره ۲ در قلب و روح و ایمان و هویت و فرهنگ جوامع بشری رسوخ کرده و "کشور گشائی بدون لشگرکشی" را راه انداخته است. الوین تافلر و هدی تافلر در کتاب «جنگ و ضد جنگ» اعلام می نمایند: بقا در آستانه قرن بیست و یکم به توسعه همزمان تمدن بشری و جنگ بستگی دارد. (تافلر و تافلر، ۱۳۷۴: ۱۱۷). همچنین "فوکویاما" یک ماه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در روزنامه گاردین مدعی شد "اسلام تنها نظام فرهنگی است که مدرنیته را تهدید می کند" (سراج، ۱۳۸۶: ۱۱۳). تغییر نظام دیگر با زور اسلحه و توان گرم بدست نمی آید بلکه با راه اندازی جنگی نرم و آرام و خاموش و سفید با تغییر آهسته در اجزاء پارادایمها بر اساس الگوی شماره ۲- طی چهار مرحله ای بشرح ذیل انجام می شود.

۱- تغییرات در زیر بناهای فکری و ذهنی (در اجزاء پارادایمها و پارادایمها) در اذهان و قلوب اندیشمندان و اساتید (ذهن سازی) ۲- تغییرات در جامعه مردم هدف (جامعه سازی) ۳- تغییرات در ساختارهای ملی و تعیین نظام جدید (نظام سازی) ۴- تغییرات سازگاری با نظام جهانی (جهانی سازی).

### ۹- مقایسه تصویر انسان ایده آل در آئینه "استعمار فرانونین" و "مکتب انبیاء"

مختصات فکری انسان پسامدرنیته، بشر محوری، تاکید بر عقل محض، حذف وحی، اصالت علم جدید، دوری از اخلاق و سکولار در امور و همچنین پوچ انگار و سرمایه پرست و ماتریالیست می باشد.

صد هزاران عقل با هم برجهند تا به غیر دام او دامی نهند (مولانا، ۱۳۱۰: ۲۱۳).

در مقابل، انسان پرورش یافته در مکتب انبیاء و ادیان الهی دارای ویژگیها و مختصاتی به شرح ذیل است:

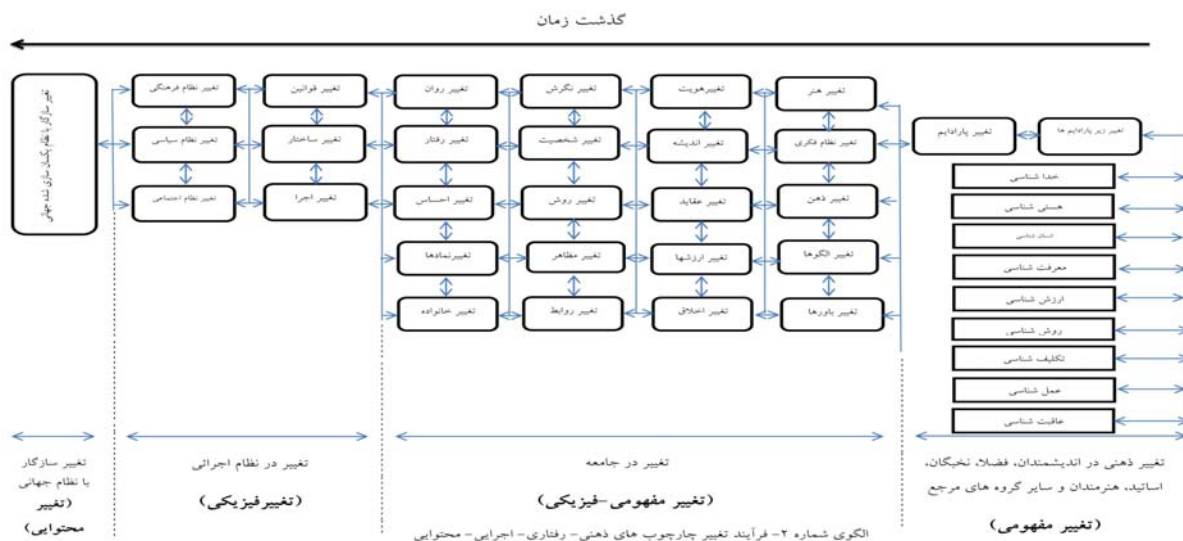
متوکل و خدا محور که در جهان منظم مخلوق خداوند، خود را مسجود ملائک می داند و در بعد شناخت علم نیز تلفیقی از علوم مادی و معنوی را سازگار با ارزشهای الهی می آموزد. این انسان دائماً خود را پاسخگوی مقابل دادگاه عدل الهی در راستای تکالیف و اعمال انجام داده می داند و هر روشی را برای دستیابی به اهداف خود مباح ندانسته و تنها راههای ارزشی و مباح را جهت دستیابی به هدف بر می گزیند. او برای رضای خداوند به تکالیف خود می پردازد و خداوند هم بدو خیر و برکت می دهد و عمل او تنها برای رضای خداوند منان طبق قوانین الهی شکل می گیرد.

قوت حیوانی مر او را ناسزاست

قوت اصلی بشر نور خداست

آن غذا را نه دهان بد، نه طبق

در شهیدان یرزقون فرمود حق



در رابطه با تصویر این دو "گونه" انسان راهبرد پیشنهادی گفت‌مان اسلامی با گفت‌مان لیبرال غرب به میزان زیادی متفاوت می‌باشد. در حالیکه در گفت‌مان لیبرالیستی، تلاش می‌شود از طریق بسط ایده «عرف شدن»، اصل «محوریت انسان» تبیین و موضوعیت بیابد؛ در اسلام جهتی متفاوت مورد نظر بوده و ایده «شرعی سازی» به حاکمیت اصل «خلیفه الهی انسان» (که در نسبت توحید و عبدالهی فهم می‌شود) منتهی می‌گردد. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۴۲).

نتیجه اینکه غرب لیبرال در مقام عمل، در پی «قدسی زدایی» از نظام هستی و به حاشیه راندن «خدا» می‌باشد، تا آنجا که برخی، خدا را محصول ذهنیت انسان می‌دانند. در این صورت، منظمه هستی از «خدا مرکزی» به «انسان مرکزی» تبدیل شده و انسان در نظام هستی برجسته می‌گردد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۰۷-۱۰۹) و در نهایت نتیجه آنست که گرفتن «خدا» از نظام هستی و مرجعیت بخشیدن به «انسان»، حتی به بهبود موقعیت خود انسان و تقویت شاخص‌های سلامت (فردی-اجتماعی) او منتهی نشده است و این تناقض نهایی است که اومانیسم در عصر حاضر با آن روبرو بوده و امکان خروج عاقلانه‌ای از آن نمی‌یابد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۴۴). تقابل دو گونه انسان در الگوی شماره ۲ به نمایش گذاشته شده است.

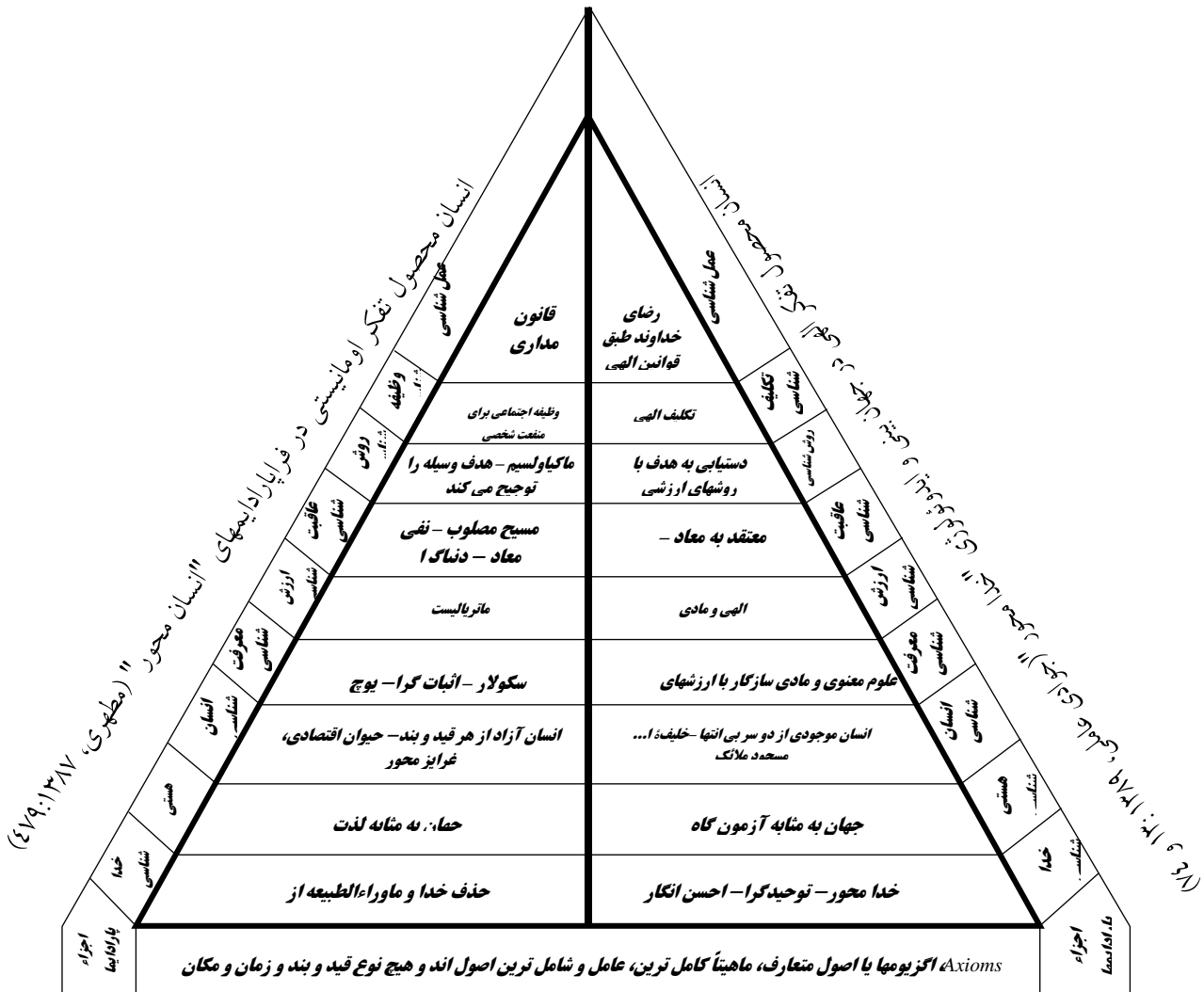
### ۱۰- مدرنیته:

واژه مدرنیته از کلمه لاتین «Modernus» می‌آید که به معنای «نو کردن، قاعده‌مندانه و هدفمند» می‌باشد. نوگرایی، مدرنیته یا مدرنیسمیون چیزی نیست مگر تولد یک ذهن جدید جمعی مبتنی بر انسان تراز جهانی با تغییرات در ساختار اندیشه، فکر، ذهن، هویت، اعتقادات، باورها و... موجودی که بحث الیناسیون یا از خود بیگانگی را در ساختمان فکری خود جای داده و با پذیرش اصول «انسان‌خدائی» یا اومانیسم، روشنفکرانه به تمامی ارزشهای الهی پشت پا زده است. ویژگیهای مدرنیته از حیث نظری عبارتند از:

۱. بشر‌انگاری (به جای خدا محوری)
۲. تأکید و تکیه بر عقل جزئی نفسانیت مدارو استیلاجو (عقل مدرن)
۳. اعتقاد به اصل پیشرفت تاریخی.
۴. اصالت علم جدید.
۵. جدا کردن اخلاق از تار و پود عالم.
۶. فناوری جدید و استقرار نظام تکنوکراسی.



۷. سکولاریزم<sup>۲۷</sup> و سکولاریزه کردن امور.
۸. بوروکراسی پیچیده ی مدرن.
۹. نهیلیسم به عنوان صفت ذات.
۱۰. اعتقاد به قانون گذاری توسط عقل جزئی بشری و حق حاکمیت بشری.



منابع: (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۵۴): (خامنه ای، ۱۳۹۲: ۲۰۰): (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۲۵): (کوهن، بی تا: ۲۵۶): (مک زایی، ۱۳۸۹: ۶۳): (مطهری، ۱۳۵۹: ۲۸): (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱۵: ۷۹۲): (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۷): (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۸: ۳۶) الگوی شماره ۳- تطبیق پارادایم انسان الهی در تقابل انسان پسا مدرن.



### ۱-۱۰- مدرنیته و جهانی شدن:

جهانی شدن که امروزه از سوی غرب مطرح می شود به گونه ای یادآور همان نوگرایی مدرنیته است. نوگرایی مدرنیته در واقع از دل خود، نسبیت گرایی و بحران معرفتی را بیرون می دهد و هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند (افروغ، ۱۳۸۲: ۱۳۶). مدرنیته از انسان، یک تعریف جدید عرضه می کند، انسان بعنوان حیوان اقتصادی، انسان بعنوان ماشین جنسی، انسان بعنوان متکثر مال و ثروت و قدرت بوده و در نگاه غرب و غرب زدگان این انسان فاقد هرگونه امور متافیزیکی و غیر مادی و امور مقدسات است و به لحاظ هستی شناسی و عاقبت شناسی، انسان در همین دنیا خلاصه می شود و آخرت و غیبی وجود خارجی ندارد. به بیان ژرژ لوکاچ ۲۸، با پیدایش عصر مدرن، آن دایره ی متافیزیکی که انسان کهن بر آنها متکی بود و فضای امنیت و آزادی وی را فراهم می کرد، یک باره برای همیشه از هم متلاشی شد.

در پارادایم "انسان گرایانه"، انسان محوریت هستی را به خود اختصاص داد و با حذف محوریت "خدا" (مارکس، بی تا: ۳۰۱) از زندگی و تفکر بشر (نیچه، بی تا: ۳۹۳)، انسان از مفعول به فاعل مبدل گردید و از منظر هگل و هایدیگر ۲۹، انسان از حاشیه به متن و از متن به مرکزیت تبدیل گردید. هگل غرب مدرن را فعال و در تکامل، و شرق را پس رونده و تمدن آن را به عبارتی "مرده" خواند. لذاست که خدانشناسی و... او مشروط به نیروهای فرازمینی، ماوراءالطبیعه یا الهی نیست بلکه هر آنچه هست، زمینی است و مرزی نمی شناسد و اولین ارزش او آزادی بی حد و مرز است. هگل می گوید: "ما در مدرنیته، نخست به درک واقعی آزادی در ذهن، دست یافتیم اما هنوز نتوانسته ایم به تحقق کمال یافته ی آن در عمل، دست بزنیم". انسان آزاد هگلی پسامدرن، دودی شکل و سیال، یا به قولی "ژلاتینی"، دیگر نه به عرش وصل است و نه به فرش، ارتباطاتش با خالق هستی بریده شده زیرا خداوند را دیگر در مرکز هستی خویش نمی بیند بلکه خود را صاحب اختیار مطلق می پندارد و از نظر هویتی هم، هویتش و فرهنگش پاک شده تبدیل به موجودی گردیده که نه پای در زمین دارد و نه دست در آسمان، آزاد، آزاد است تا بینهایت.

آموزه های لیبرالیستی (انسان خدایی) توسط معماران ذهن و افکارسازانی از قبیل، جان لاک، هیوم، پوپر، هگل، هایدگر، ژان ژاک روسو، مارشال برمن، آنتونی گید نز، هاروی، فوکویاما، جین شارپ، کارل مارکس، جوزف نای، ساموئل پی، هانتینگتون، رونالد رابرتسون، گیلپین، اسکیلر، مک لوهان، والراشتاین، جمیز روترا و دیگر فرماندهان، نظریه پردازان، پیاده نظامان ارتش سایبری با تغییر اجزاء پارادایمها و ذهن سازی در حال توسعه است و با ریشه کنی کاخ عظیم تمدن الهی بشری، استعمار فرانوینی امپریالیسم ذهنی، دیگر کمتر نیازی به اشغال سرزمینهای فیزیکی جوامع و کشورها می بیند؛ بلکه با تولد تنوری پردازان لیبرال و توسعه افکار آنها توسط دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، سرزمینهای فکری جوامع اشغال می شود. این اضمحلال چگونه صورت می پذیرد؟

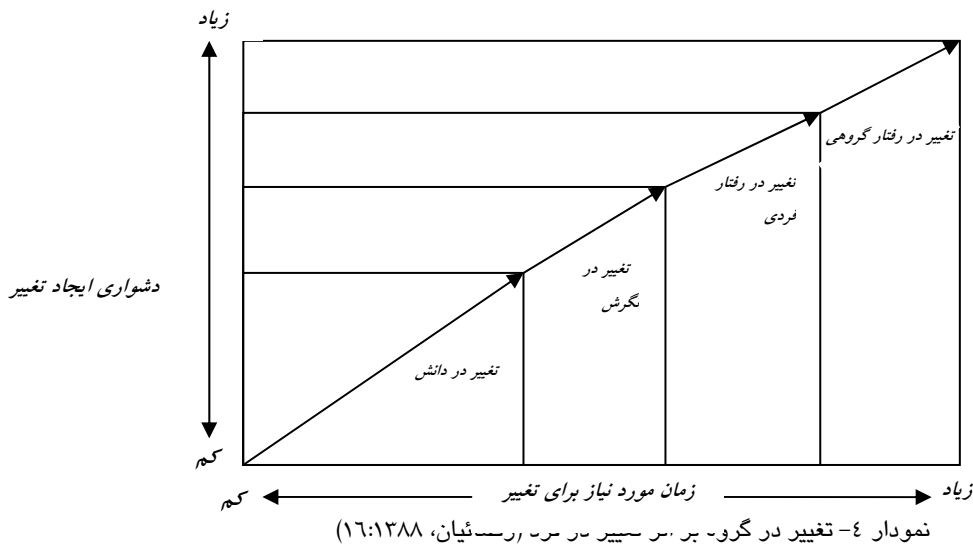
پاسخ این سؤال می تواند در تغییر نهفته باشد. چارچوبهای ذهنی و کاخ رفیع فرهنگی جوامع فرو می ریزد و بر خرابه های تمدن فرهنگی بشری، دیدگاه یکسان سازی اومانستی اهل زمین در حال شکل گیری است، و مولانا در این خصوص می فرماید: (مولانا، ۱۳۹۰: ۸۸۱)

هر دمی فکری چو مهمان عزیز	آید اندر سینه ات هر روز نیز
می کند بیخ سرو کهنه را	تا خرامد ذوق نو از ماوراء
سعد و نحس اندر دلت مهمان شود	چون ستاره خانه خانه می رود
فکر در سینه در آیدنو به نو	خند خندان پیش او تو باز رو



## ۱۱- مدیریت تغییر:

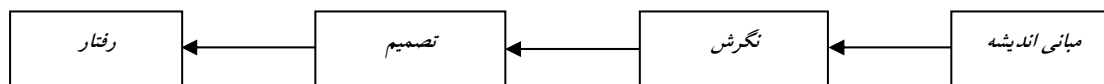
واژه "تغییر" از حیث محتوایی در میانه "ثبات" و "انفجار" قرار دارد موضوع با "ثبات" مقوله ای است که در طی زمان دستخوش تحول نگردد، این در حالی است که در بحث "انفجار یا انقلاب" وقایع در بازه زمانی که به صفر میل دارند اتفاق می افتد، اما در "فرایند تغییر" مسائل و مفاهیم در طی زمانی نسبی بتدریج دچار دگرگونی و دگردیسی می شوند. تغییرات ذهنی در پارادایم شیفت غالباً در حیطه زمانی مشخص رخ می دهد. محققین برای "تغییر" الگوهای متفاوتی را قائلند. یکی از مطرح ترین الگوهای فرایند "تغییر" الگوهای فرایند تغییر در جنگ نرم است که با کمی اضافات در الگوی شماره ۲ آورده شده است. در مرحله اول این الگو؛ تغییرات در اجزاء پارادایم ۹ گانه در نخبگان صاحب فکر و خرد و اندیشه و گروههای مرجع در جامعه به منظور ایجاد تغییرات مفهومی و تغییرات زیر ساختی آغاز می گردد. ابزارهای این تغییر مفهومی در دانشگاهها و مراکز علمی- تحقیقاتی علوم انسانی و کتب مربوطه می باشد بنابراین این فرودگاه "تغییرات مفهومی"، دانشگاهها، حوزه ها و دیگر مرکز علمی پژوهشی تعریف شده است. در مرحله دوم تغییرات ۲۰ گانه در سطح جامعه رخ می دهد و در نهایت در مرحله سوم "تغییرات" فیزیکی است که طی شش فرایند پیچیده و در هم تنیده، تغییر نظام سیاسی و اجرایی که مطلوب مهاجمان نرم است، رخ می دهد و در مرحله پایانی نیز "سازگاری با نظام یکسان شده جهانی" به وقوع می پیوندد. این فرایند می تواند تا دهها سال هم بطول بینجامد ولی از آنجا که به صورت خاموش و زیر پوستی رخ می دهد، مقاومتی در "جامعه شکار" ایجاد نمی نماید. البته به نظر نگارندگان این مقاله این الگوی تغییرات کاملاً دو طرفه بوده و می توان با تغییر نظام سیاسی، تغییرات ساختاری، تغییر قوانین و مقررات به تغییر در رفتارها، شخصیتها، اندیشه ها و پارادایمها پرداخت. الگوی دیگر "تغییر در گروه" طی نمودار ۴ توسط رضائیان ارائه شده است. این الگو، تغییر در گروه را طی زمان از فرد به گروه نشان می دهد.







در الگوی بعدی تغییر " مبانی اندیشه " طی فرایندی، پس از عبور از مراحل نگرش و تصمیم به تغییر رفتار می انجامد(نمودار شماره ۵).

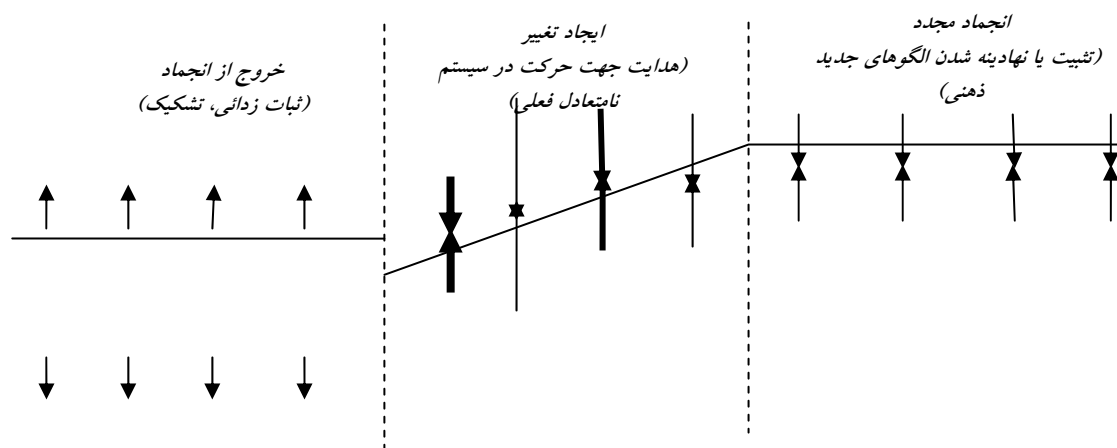


نمودار ۵- فرایند تبدیل اندیشه به رفتار (اسکندری، ۱۳۸۶: ۴)

در دهه ی ۱۹۵۰ کرت لوین<sup>۳</sup>، نوعی نظریه تغییرات اجتماعی را تدوین نمود که نهادهای اجتماعی را به عنوان محلی متوازن از نیروهای پیش برنده و برخی نیروهای مخالف "تغییر" تعریف می کرد.

در مدل لوین، ثبات، صرفاً از طریق نیروهای مخالف تغییر تعریف نمی شد، بلکه ثبات نوعی بی حرکتی بین نیروها " له یا علیه " تغییر بود. بر اساس مدل وی، تغییر مستلزم سه فعالیت جداگانه ی: "خروج از انجماد"، "تغییر یا حرکت" و "انجماد مجدد" است(هچ، ۱۳۸۹: ۶۸)،(نمودار شماره ۶).

به نظر لوین که شخصیت با نفوذی در روانشناسی اجتماعی است، تغییر رفتاری شامل بررسی و زیر سؤال بردن باورها و نظام های اعتقادی پذیرفته شده است و سپس شناسایی رفتارهای متفاوت و تلفیق آنها در الگوها و رفتارهای عادی جدید است. لوین اظهار نمود که لازم است فرایند "ذوب کردن" الگوهای رفتاری موجود در محیطی گروهی انجام شود و شامل ارتباطی آزادانه و حمایت کننده در بین کسانی باشد که در مذاکره در خصوص تغییر شرکت دارند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲: ۱۴۸) در این فرایند پیش از آنکه عاداتی تغییر یابد، نخست باید عوامل تثبیت کننده و تقویت کننده آن عادت سست گردد (رضائیان ۱۳۸۸: ۱۵).

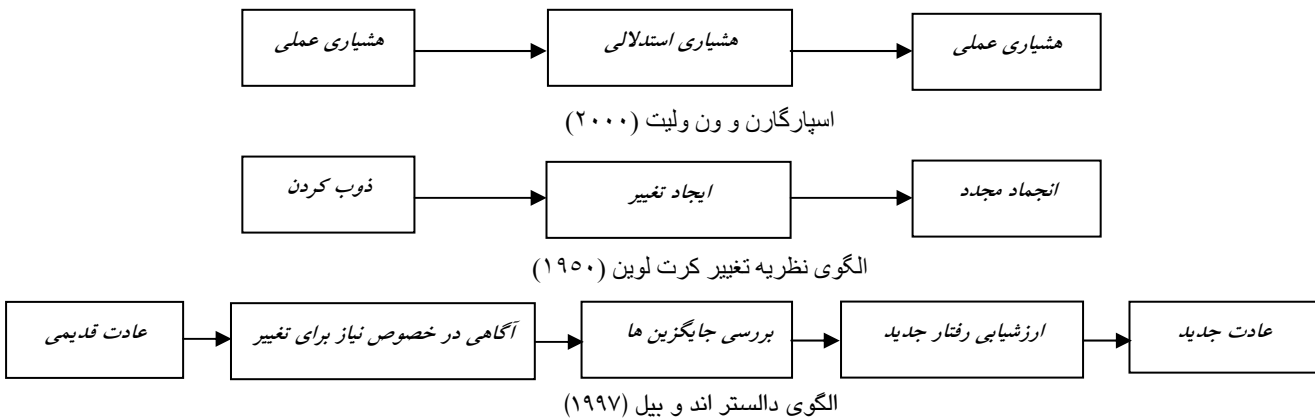


نمودار ۶- مدل تغییر سه مرحله ای " کرت لوین "

در مرحله اول مدیریت ذهنیت، در مدل های ذهنی جامعه هدف "تشکیک و ثبات زدائی" صورت می پذیرد. در مرحله دوم "تغییر" و جایگزینی عناصر اومانیستی و یا هر عنصر دیگر بجای اجزاء فعلی نه گانه جهان بینی و ایدئولوژی الهی، تعریف می گردد و مرحله سوم نیز جهت "انجماد مجدد" ذهنیات جدید و تثبیت مدل های جدید در نظر گرفته شده است. در الگوی شماره ۷ نوعی مدل تغییر رفتار در حوزه جامعه شناسی پیشنهاد شده است که تفاوتی با این مدل ندارد. فرایند روان شناختی شکل گیری عادت و تغییر دالستراندوبیل (۱۹۹۷) نیز همین مراحل را تکرار می



کند و توالی فرایندهای آن مشابه این فرایند است. این مدل تغییر اجتماعی استدلالی، راهی برای فائق آمدن بر "اسارت" در بند هنجارهای اجتماعی ارائه می‌کند و از سوی سایر دیدگاه‌های نظری مانند یادگیری اجتماعی حمایت می‌شود. همچنین آشکار است که این نظریه با مدل "بسط استدلالی" اسپارگرن و ون ولیت (۲۰۰۰) که مبتنی بر تعیین چارچوب، قالب و مرز توسط راهکارهای اجتماعی است، شباهت و هماهنگی دارد که در قلب فرآیند‌های نمادین اجتماعی کلیدی نظیر مذاکره در خصوص معنا و ساخت هویت قرار دارند. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲: ۱۴۷) (شکل ۷)



الگوی ۷- برخی دیدگاه‌های نظری "تغییر" (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲: ۱۴۷)

شاید نکته مهم تر آن است که این نظریه از سوی شواهد تجربی حمایت می‌شود. در حقیقت، رویکرد مبتنی بر جامعه و مربوط به تغییر اجتماعی هر روز بیش از پیش از بخش مهمی از چشم انداز توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد (همان، ۱۴۸).

## ۱۲- چگونگی مواجهه با تغییر ذهنیت:

ذهن قوه سیالی است که بشر تا شناخت کامل آن هنوز فواصل زیادی را باید طی کند. ذهن شناسی یکی از علوم میان رشته ای با حوزه اثر بسیار گسترده می باشد، آنچنانکه جاکوبز و هراکلیوس (جاکوبز، ۲۰۰۵: ۳۵۲-۳۳۸) بیان می‌کند، مدل‌های ذهنی برهان، تفسیرها و نهایتاً عمل را شکل می‌دهند. بنا بر نظر فروید مدل‌های ذهنی به معنای تعبیر ما از روابط علت و معلولی است که با ارزشها، اعتقادات و فرهنگ ما شکل گرفته اند (فریدمن<sup>۳۱</sup>، ۲۰۰۴: ۱۲۸-۱۱۰) برخی دانشمندان مدل‌های ذهنی را از مهمترین سنگ بناهای دانش و آن را به صورت برخی فرایندهای شناختی که حمایت از تغییر و یادگیری را به عهده دارند تعریف می‌کنند. (آلی، ۱۹۷۷) برخی دیگر مدل‌های ذهنی را لنزهایی در نظر می‌گیرند که افراد جامعه برای مشاهده و تفسیر دنیا از آنها استفاده می‌کنند. سنگه و همکاران (۱۹۹۹) مدل‌های ذهنی را مفروضات، تعمیم‌ها و حتی تصاویر و اشکالی می‌دانند که دارای ریشه‌های بسیار عمیقی هستند و بر چگونگی درک ما از دنیای پیچیده و نحوه عمل ما در آن اثر می‌گذارند (مقدم، ۱۳۸۷: ۱۵). در واقع مدل‌های ذهنی بازنمایی از واقعیت هستند که تصمیم‌گیرندگان از آنها برای معنی بخشیدن به علائم اطلاعاتی دریافت شده استفاده می‌کنند. با بررسی مدل‌های ذهنی می‌توان دریافت که چگونه تعبیر اطلاعات می‌تواند بر فرایند تصمیم‌گیری اثر گذارد و راه حل‌های در نظر گرفته شده را محدود کند (سانتوزو و گارسیا، ۲۰۰۶: ۳۲۰-۳۰۵).



لی جی بولمن و ترنس ای دیل (۲۰۰۳) اشاره دارند که (انسانها) مدیران از قابهایی برای دیدن و درک دنیای پیرامون خود استفاده می کنند. برای مدیریت تغییر اذهان بایستی فقط این قابها (الگوها) تغییر یابند و افراد جامعه هدف از پنجره و قاب و الگوی دیگری به مقولات نظر بیفکنند. این قابها عبارتند از: قاب ساختاری، قاب منابع انسانی، قاب سیاسی (قدرت) و قاب نمادین (فرهنگ)، بولمن و دیل، ۲۰۰۳: ۱۰۷) جدول شماره ۲ نشانگر قابهای مدیریت و رهبری ذهن است.

جدول ۲\_ قاب های رهبری طبق نظر بولمن و دیل (۲۰۰۳)

رهبر هنگامی نا مؤثر است که:		رهبر هنگامی مؤثر است که:		نوع قاب
فرایند رهبری	رهبر	فرایند رهبری	رهبر	
مدیریت بر اساس جزئی نگری و ارائه حکم	جزئی بین	تحلیل طراحی	تحلیل گر معمار	ساختاری
کناره گیری	سست عنصر پرفشار	حمایت تقویت	عامل فعل و انفعال خدمتگذار	منابع انسانی
دستکاری سوء استفاده	فریبکار تنبکار	مدافع سازنده ائتلاف	حامی مذاکره کننده	سیاسی
مه آلود دودی	متعصب نادان	القاء قالب بندی تجربیات	بیامبر	نمادین

پاسخ چگونگی مواجهه با " مدیریت تغییر ذهنیت و قابهای فوق " در " ماتریس دکترین جامع جنگ نرم " نهفته است. (جدول ۳) در این ماتریس دو بعدی " زمین بازی " و " قواعد و روش اقدام " دو محور اصلی ماتریس را تشکیل می دهند. این ماتریس دارای ۲۵ سلول است که از بدترین وضعیت دکترین شروع می شود و در آن "اقدام منفعل در زمین خود با قواعد دشمن" با ۱۰- امتیاز رقم می خورد و بهترین حالت ایده آل در این ماتریس "اقدام فعال، اقدام در زمین دشمن با قواعد خودی" با ۱۰+ امتیاز ارزشگذاری می شود. عقب نشینی از هر سلول، وضعیت پست تر و عقب نشینی بیشتر و در نتیجه از دست دادن بیشتر الگوهای ذهنی و دارائیهای معنوی و زمینه های نرم را به همراه خواهد داشت، لذا هجوم نرم به سرزمینهای فرهنگی، اندیشه ای و پارادایمی دشمن و اقدام فعال به منظور حفظ و صیانت از قاب، مدلها و زرادخانه های نرم ذهنی جامعه اسلامی می باشد. نمونه بارز اینگونه موضع گیری را در عصر حاضر در بیانات و رهنمودهای امام خمینی (ره) و امام خامنه ای (حفظه ...) می توان رصد نمود. ماتریس شماره ۳ نمایانگر استراتژیهای متفاوت در دکترین جامع جنگ نرم را به نمایش می گذارد. لازم به ذکر است که جوزف نای در مجلس جزیره انگلیس مورخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰ طی سخنرانی، اظهار می دارد " قدرت نرم چیزی نیست که منحصر به یک دولت خاص یا روابط بین الملل باشد، این مقوله در رفتار انسان ها جاری است. یکی از راههای عملی شدن آن، این است که قدرت اغوا و گمراه سازی (مدیریت ذهن) با رویکرد جهانی است " (جوزف نای، ۲۰۱۰).



ماتریس ۳- دکترین جامع جنگ نرم - ابعاد و امتیازات مثبت و منفی اقدام نامتقارن

زمین بازی (زمین اقدام)						زمین بازی قواعد و روش اقدام	قواعد و روش اقدام
اقدام در زمین خودی	اقدام در زمین شریک	اقدام در زمین رقیب	اقدام در زمین حریف	اقدام در زمین دشمن	اقدام در زمین		
الف (اقدام فعال) اقدام در زمین خود با قواعد خودی	+۷ (اقدام فعال) اقدام در زمین شریک با قواعد خودی	+۸ (اقدام فعال) اقدام در زمین رقیب با قواعد خودی	+۹ (اقدام فعال) اقدام در زمین حریف با قواعد خودی	+۱۰ (اقدام فعال) اقدام در زمین دشمن با قواعد خودی	قواعد و رویه خودی	قواعد و رویه خودی	
-۱ اقدام در زمین خود با قواعد شریک	ب اقدام در زمین شریک با قواعد شریک	+۴ اقدام در زمین رقیب با قواعد شریک	+۵ اقدام در زمین حریف با قواعد شریک	+۶ اقدام در زمین دشمن با قواعد شریک	قواعد و رویه شریک	قواعد و رویه شریک	
-۳ اقدام در زمین خود با قواعد رقیب	-۲ اقدام در زمین شریک با قواعد رقیب	پ اقدام در زمین رقیب با قواعد رقیب	+۲ اقدام در زمین حریف با قواعد رقیب	+۳ اقدام در زمین دشمن با قواعد رقیب	قواعد و رویه رقیب	قواعد و رویه رقیب	
-۶ اقدام در زمین خود با قواعد حریف	-۵ اقدام در زمین شریک با قواعد حریف	-۴ اقدام در زمین رقیب با قواعد حریف	ت اقدام در زمین حریف با قواعد حریف	+۱ اقدام در زمین دشمن با قواعد حریف	قواعد و رویه حریف	قواعد و رویه حریف	
-۱۰ (اقدام منفعل) اقدام در زمین خودی با قواعد دشمن	-۹ (اقدام منفعل) اقدام در زمین شریک با قواعد دشمن	-۸ (اقدام منفعل) اقدام در زمین رقیب با قواعد دشمن	-۷ (اقدام منفعل) اقدام در زمین حریف با قواعد دشمن	ث اقدام در زمین دشمن با قواعد دشمن	قواعد و رویه دشمن	قواعد و رویه دشمن	

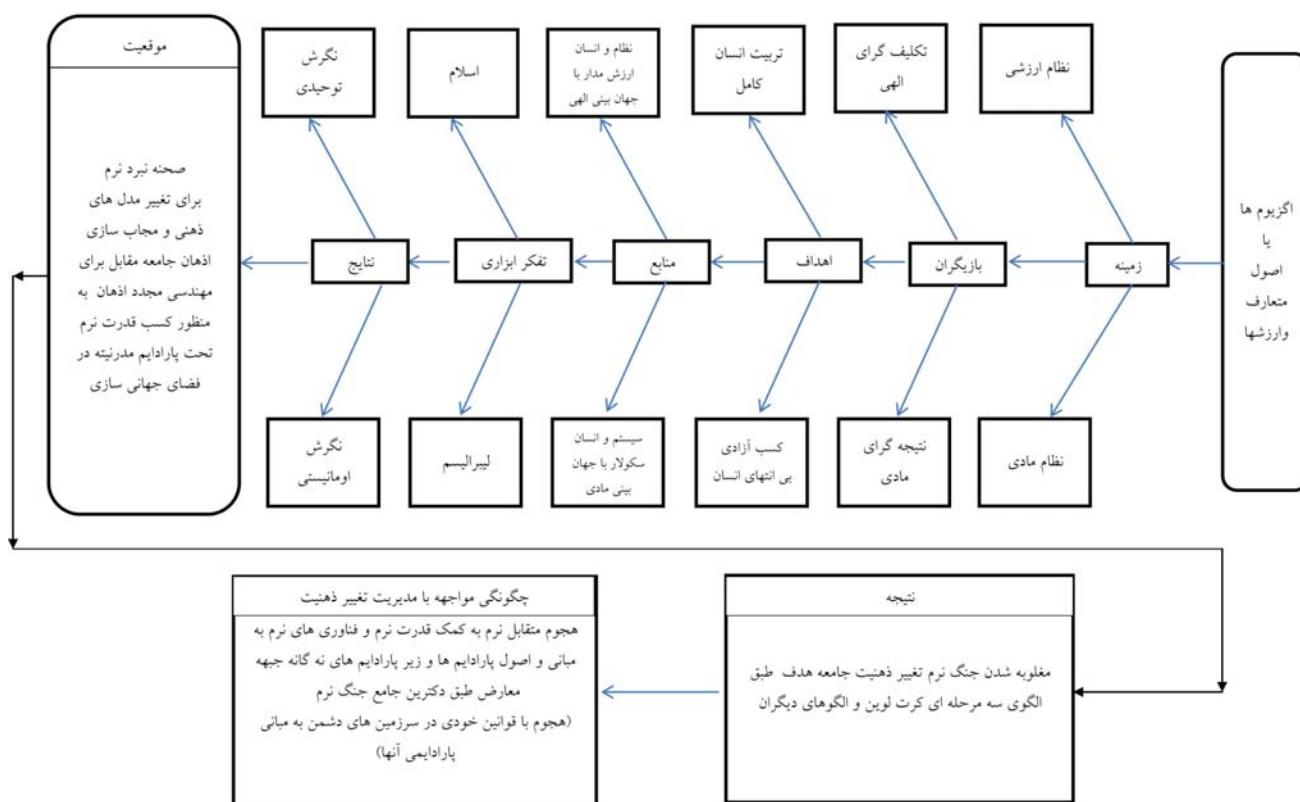
منبع: مرکز بررسیهای دکترین امنیت بدون مرز- گروه آینده شناسی

**نتیجه گیری:**

این نوشتار در صدد بررسی "چگونگی مواجهه با مدیریت تغییر ذهنیت تحت پارادایم مدرنیته در فضای جهانی سازی" است. جنگ آینده بشری - از هم اکنون- در فضای جهانی مجازی اذهان جوامع متخاصم بر سر فرهنگ، هویت، باورها، اعتقادات و... به منظور اضمحلال جامعه سوژه در راستای جهانی سازی و یکسان سازی اذهان در زمینه های نه گانه زیر پارادایم ها در اوج خود به سر می برد. از یک سو انسان نوظراز جهانی که محصول تفکر اومانستی است متولد شده و به کمک فناوریهای نرم، به انسان تربیت یافته در مکتب الهی یورش برده است. این دو گونه نظام و انسان تربیت یافته آن، خمیر مایه تقابل اذهان در فضای جهانی سازی امروزی را تشکیل می دهند. نقشه راه و تفکر راهبردی این تخصص و جنگ نرم بر مبنای الگوی سه مرحله ای "کرت لوین" در زمینه مدیریت اذهان رخ می دهد. در مرحله اول داشته های فرهنگی و الگوهای ذهنی افراد جامعه هدف مورد تشکیک و تخریب قرار می گیرد (خروج از انجماد)، در مرحله دوم غنائم جنگی از انبارخانه های اذهان خارج و میراث فرهنگی مورد نظر در پس زمینه های اذهان مردم آن جامعه تعبیه می شود (تغییر یا حرکت)، در مرحله سوم زرادخانه های نرم اقدام به انجماد مجدد اذهان جامعه هدف، این بار با محتوا و مدل های مورد نظر، می نماید (انجماد مجدد). این نتیجه نهایی، پاسخ به پرسش "چگونگی مواجهه با مدیریت تغییر ذهنیت" است که طبق فرموده امیرالمومنین علی (ع) "خوار و ذلیل نشد مگر کسی که با دشمن در خانه خود جنگید" پیاده سازی دکترین "استراتژی فرار به جلو" و هجوم به سرزمینهای نه گانه زیرپارادایم ها و



مدیریت مختصات اذهان دشمن نرم به جای در خانه نشستن و با مهاجمان نرم در خانه خود به دفاع برخاستن، می باشد. همانگونه که حضرت امام خمینی (ره) با دشمن شناسی خویش می فرمایند: "ما که می خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، می خواهیم این مطلب را، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران... ما می خواهیم این را صادر کنیم". این فرمان در عرف بین المللی به معنی هجوم نرم به سرزمین های فکری دشمن نرم ارزیابی می گردد. فرایند "چگونگی مواجهه با مدیریت تغییر ذهنیت" و نتیجه گیری حاصل در نمودار شماره ۸ آورده شده است.



نمودار ۸- تقابل نرم دو پارادایم اندیشه ای «نظام و انسان الهی» در مقابل «سیستم و انسان مادی» و چگونگی مواجهه با آن



### منابع:

- قرآن مجید (سوره مبارکه انعام، ۵۰)، (سوره مبارکه زمر، ۴۳، ۴۲)، (سوره مبارکه حشر، ۲۲)، (سوره مبارکه جاثیه، ۱۳)، (سوره مبارکه انسان، ۱)، (سوره مبارکه ال عمران، ۱۹۱)، (سوره مبارکه سبأ، ۴۶)، (سوره مبارکه نحل، ۴۴)، (سوره مبارکه عصر، ۱ تا ۳)، (سوره مبارکه نحل، ۷۸).
- امام علی (ع)، (۱۳۷۰): نهج البلاغه خطبه ۲۷، فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض.
- ادیب، مصطفی، (۱۳۸۸): تفکر شیعی و پدیده جهانی شدن، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- اسکندری، مجتبی، (۱۳۸۶): تبیین الگوی تصمیم گیری و سیاستگذاری امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- افتخاری، علی اصغر و همکاران، (۱۳۸۷): قدرت نرم و سرمایه های اجتماعی، مطالعه موردی بسیج، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- افتخاری، علی اصغر، (۱۳۸۴): مصلحت و سیاست: رویکرد اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- افروغ، عماد، (۱۳۸۲): دین و جهانی شدن، برگرفته از کتاب چالشهای کنونی ایران، تهران.
- افروغ، عماد، (بی تا): سنت و تجدد، ص ۷۸.
- باورات، والتر، (بی تا): عملیات کنترل فکر، سیا و تجاوز به فکر و مغز انسان ها، مترجم الف، کاف، تهران، انتشارات دادبه.
- پنتام، (بی تا): تاریخ فلسفه، جلد ۸.
- تافلر، تافلر، (۱۳۷۵): جنگ و ضد جنگ، سقوط قرن ۲۱، تهران، حکمت.
- توسلی، غلام عباس، (۱۳۸۴): نظریه های اجتماعی، تهران، سمت.
- جعفری، محمد تقی، (۱۳۹۲): معارف الهی، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
- جنیدی، رضا، (۱۳۸۹)، تکنیکهای عملیات روانی و شیوه های مقابله، مشهد، به نشر.
- جوادی آملی، عبدالله، (الف)؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (ب)؛ حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)؛ صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (الف)؛ حیات حقیقی انسان در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (ب)؛ معرفت شناسی در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (ج)؛ شریعت در آینه معرفت، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (د)؛ تفسیر انسان به انسان، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (ه)؛ نسبت دین و دنیا، تهران: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)؛ تفسیر انسان به انسان، قم ع مؤسسه اسراء.
- جوادی یگانه، محمدرضا، عباسی لاخانی، مهدی، (۱۳۸۰): تغییرات اجتماعی برنامه ریزی شده، تهران، اداره کل تحقیق و توسعه صدا.
- حیدری، محمد، (۱۳۸۸)؛ روان شناختی اطلاعاتی، تهران، انتشارات دانا
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۲)؛ روشنای علم، تهران، دفتر مقام معظم رهبری
- خمینی (ره)، روح ا...، (بی تا)؛ صحیفه نور جلد ۶.
- رایبیس، جون، (۱۳۵۸)؛ فلسفه اقتصادی، ترجمه مردوخی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی
- رچینالد هالتینگ، دیل، (۱۳۸۷)؛ تاریخ فلسفه غرب، ترجمه عبد الحسین آذرنگ، تهران: ققنوس.
- رضائیان، علی، (۱۳۸۸)؛ مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت.
- رفیع الدین، محمد، (۱۳۶۸)؛ سکولاریزم، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



- رفیعی فنود، محمدحسین، (۱۳۸۱): آن سوی جهانی سازی، ویراستار محمود اعرابی تهران، حمیدیه.
- رهنورد، فرج الله، (۱۳۸۸): یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده، تهران: مدیریت دولتی بشماره ۴۳.
- سراج، رضا، (۱۳۸۶): راهبرد قدرت نرم امریکا برضد جمهوری اسلامی ایران، تهران، فصلنامه عملیات روانی، سال چهارم، شماره ۱۶.
- سرگلزائی، محمدرضا، (۱۳۶۳): ماهیت ذهن، تهران، انتشارات.
- شارل ژید و شارل ژیست، (۱۳۷۰): تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، تهران: سمت.
- \_ شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۲): انگیزش مصرف پایدار، تهران، انتشارات شورای عالی انقلاب.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۴): اصول فلسفه و روش ائالیسم، تهران: صدرا، چاپ دوم.
- عبدا... خانی، علی، (۱۳۸۷): جنگ نرم ویژه نبرد در عصر اطلاعات جلد ۳، تهران، ابرار معاصر.
- فروزنده، مسعود/ سورانی، زهره، (۱۳۸۹): بررسی کهن الگوها در شعر اخوان ثالث، فصلنامه تخصصی پیک نور زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.
- کرلینگ، ای. سی، (۱۳۹۰): آشنایی با فلسفه تحلیلی، معرفت شناسی، ترجمه امیر مازیار.
- کمپرتی، تئودور، (۱۳۷۵): متفکران یونانی، ترجمه محمد حسن لطفی تبریزی، خوارزمی، چاپ اول.
- لاژوژی، ژوزف، (۱۳۶۷): مکتب های اقتصادی، ترجمه جهانگیر افکاری، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- لک زایی، نجف، (۱۳۸۹): کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی علمی - پژوهشی شماره ۵۰، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مارکس، کارل، (بی تا): تاریخ فلسفه، جلد ۷.
- محبوبانی، کیشور (۱۳۹۰): مقاله " انحطاط غرب "، نظریه برخورد تمدنها، انتیکتون و منتقدانش.
- مرادی حجت ا...، (۱۳۸۹): مفهوم شناسی عملیات روانی، در عملیات روانی و رسانه، تهران، ساقی.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۸): نظریه سیاسی اسلام، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۹): جامعه و سنت، تهران: انجمن علمی و دینی اتحاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۳): مجموعه آثار جلد ۱، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸): مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۲): مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، جلد ۲، تهران: صدرا
- مقدم، علیرضا، (۱۳۸۷): مدلهای ذهنی، ابزاری کارآمد در رهبری نوین، تهران: مؤسسه مطالعات بهره وری و منابع انسانی.
- مقدم، علیرضا، (۱۳۹۰)، نقش مدلهای ذهنی در فرایند تغییر سازمانی، تهران، مؤسسه مطالعات بهره وری و منابع انسانی.
- مولانا، جلال الدین محمد بلخی، (۱۳۹۰): مثنوی معنوی، تهران، بازتاب اندیشه.
- میر معزی، سید حسن، (۱۳۸۱): مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره)، انسان شناسی، تهران: فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۸۱/ ۷/۵، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرزایی اهرنجانی، حسن، (۱۳۸۵): زمینه های روش شناختی تئوری سازمان، تهران: سمت.
- میرزایی اهرنجانی، حسن، (۱۳۸۵): مبانی فلسفی تئوری سازمان، تهران: سمت.
- نای، جوزف، (۲۰۱۰): متن سخنرانی درباره جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران در پارلمان شورای انگلستان با عنوان " قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱.
- نودزی ج و پور خداقلی م، (۱۳۹۰): روش شناسی مطالعه اندیشه سیاسی، متدولوژی کوئین اسکینر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی.
- نیچه، فریدریش، (بی تا): تاریخ فلسفه، جلد ۷.
- واترز، مالکو، (۱۳۷۹): جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.



- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.
- هانتینگتون، ساموئل،(بی تا)؛ برخورد تمدنها و بازسازی نظام جهانی.
- هچ، جوماری،(۱۳۸۹)؛ تئوری سازان، مدرن، نمادین - تفسیری و پست مدرن، ترجمه دانایی فرد، حسن، تهران، مهربان نشر.
- یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۷۷)؛ خداشناسی، پاسخ به ایوب، فؤاد روحانی، تهران: جامی.
- Allee V.(1977), *The knowledge Evolution: Expanding Organizitonal Intelligence* Newton: Focal press.
- Bolman, lee G., Deal, Terrence E., (2003), *Reframing Organizatians: Artistry, Choice, and Leadership*, Jossey - Bass, Sam Francisco, California, USA.
- Fish S, E. (1980), "Is there a text in this class? The Authority of Interpretive Communities", Harvard University press, Cambridge,
- Friedman S. (2004), *Learning to make more effective decisions: Changing beliefs as a prelude to action the learning organization* vol. 11 No.2, PP. 110-128.
- Goldstein, judith, and Robert kehane, (1993), *Ideas and foreign policy*, Ichaca: cornell university Press.
- Hunt, Michael, (1996), *Ideology and U.S. foreign Policy*, New Haven: Yale university press.
- Huxley, Aldous (2006), *Brave New World*, Publishing inc, Harper perennial Modern Classics.
- Jacobs, claus D. and Heraclous, loizos th (2005), 'Answers for questions to come: reflective dialogue as enabler of strategic innovation' *Jourual of organizational change management* (2004) vol. 18 No.4, pp:338-352.
- Kuhn, Thomas (1962) *The Structure of Scientific Revolution*, Chicago
- Lippman, Walter (2007), *A preface to politics*, Public Opinion Filiguariam Publishing, LLC.
- Mikk, *Positive Philosophy of August conte* p.38.
- Mills, c. Wright (2000), *The power Elite*, Oxford University Press Usa.
- Nye, joseph, (2004), *soft power ; the means to success in world politics*, new York.
- Paul Edward (1976), *Encyclopedia of philosophy*, New vork, Macmillan.
- Platyinga, Alvin (2000), *god Arguments for, the Existence* "Routlege Encylopedia of philosophy Routledge.
- Robertson, R (1992), *Globalization social a Cultural Theory*, London, sage.
- Sange, P. Kleiner, A, Roberts, C. Ross, R, Roth, G. and Smith B. (1999) "The Dance of Change - The Challenges of Sustaining Momentum in Learning Organizatins (london: Nicholas Brealey).





- Santos, Ma Valle, Garcia, Ma Teresa, *Organizational, Change: The role of Managers Mental Models, Journal of Change Management, Vol 6, no 3.*
- Spencer herbert, (1896 ), *study of Sociology, new work, d.Appleton*
- Tafler & Tafler (1973), *War and Antiwar: Survival The Dawn in The 21th Contury.*
- *U-S army filed Manual 33-1.*
- [www.Anthropology.ir](http://www.Anthropology.ir)
- [www.hupaa.com](http://www.hupaa.com)
- [www.antifbi.com](http://www.antifbi.com)
- [www.ensani.ir](http://www.ensani.ir)
- [www.omidnews.com](http://www.omidnews.com)
- [www.rahimpor.ir](http://www.rahimpor.ir)
- [www.aviny.com](http://www.aviny.com)
- [www.nedaye enghelab.com](http://www.nedaye enghelab.com)
- <http://www.Newworldencyclopedia.org/entry/philosophical>
- [Http://thefreedictionare.com](http://thefreedictionare.com)
- <http://thefreedictionary.com>

پی نوشت ها

---

<sup>1</sup> -Kuhn Thomas

<sup>2</sup> - Paradigm Shift

<sup>3</sup> -Background

<sup>4</sup> -Attraction

<sup>5</sup> -Haxley Aldos

<sup>6</sup> -Brave New World

<sup>7</sup> -Bernays Edward

<sup>8</sup> -Matu Baum

<sup>9</sup> -Lasswell Harold

<sup>10</sup> -Illomenaty

<sup>11</sup> -Lippman, Walter

<sup>12</sup> -C. Wright Mills

<sup>13</sup> -Theology

<sup>14</sup> -Ontology

<sup>15</sup> -Anthropology

<sup>16</sup> -Epistemology



---

<sup>17</sup>-Axiology

<sup>18</sup>-Eschatology

<sup>19</sup>-Methodology

<sup>20</sup>-Context

<sup>21</sup>-Content

<sup>22</sup>-Structure

<sup>23</sup>- Harway David

<sup>24</sup>- Postmodernism

<sup>25</sup>- Gidenz Antony

<sup>26</sup>-Armagdon

<sup>27</sup>-Secularism

<sup>28</sup> George lukachs

<sup>29</sup> Hegel heidiger

<sup>30</sup>-Lewin, kert

<sup>31</sup>-Friedman